

رهنمود به هنگام امام خمینی

انحصار گریها چشم مردم را برانگیخته است

ضرورت پایان دادن به کارشکنی های کجروان

در صفحه ششم

مردم افغانستان در پیکار با تجاوزگران بیگانه کاخ نشینان کرمین کشتی بر گرداب رانده اند

یک خودرو نظامی روسی، که در جاده کابل پیش می رفت، ناگهان از هر طرف به رگبار گلوله بسته شد، راننده در دم جان سپرد، و خودرو به کناری افتاد، و از سر نشینان آن یک تن که رنده مانده بود، بیرون پرید و پیش از آنکه فرصت یابد، مردان جنگی افغان، از کمینگاه بر او ریختند و اسلحه از دستش ستاندند و او را به پشت تخته سنگی در کنار راه کشاندند. پس جنگیان افغانی، وضو ساختند و به دادرسی اسیر خود پرداختند، و کيفری که به سرعت تعیین شد، با شلیک سه گلوله به اجرا درآمد.
در برابر پرسش یک خبرنگار خارجی، که چرا این مرد را اعدام کردید، جنگیان چنین گفتند: وی به میهن ما هجوم آورده و دست به جنایتهای جنگی زده بود. بقیه در صفحه چهارم

به درازا کشیدن جنگ زیانبار است همه قدرت سازمانی و سیاسی کشور باید به کار گرفته شود

راه رهائی از داوری تلخ تاریخ

«نبرد میهنی» سومین ماه خود را پشت سر می گذارد، در این سه ماه مردم ایران جانفشانیها کرده و هر سختی و ویرانی و آوارگی را به جان پذیرفته و هرگز سخنی از شکوه بر زبان نیاورده اند. نیروهای مسلح در جبهه و دیگر مردم در پشت جبهه، بی چون و چرا همه توان خود را در خدمت جنگ نهاده اند.

رزمندگان ایرانی از همان روزهای نخست در هوا و دریا دشمن را فرو کوفتند، بدانسان که هر پایگاه هوائی در دور دستهای خاکش و هر پایگاه دریائی در کناره هایش از هم پاشیده شد و باقیمانده هواپیماها و کشتی های آن در فرودگاهها و بندرگاههای دیگر کشورها به پناه رفتند.

در زمین نیز رزمندگان، پایداری و دلیری به راستی بی ماندی نشان دادند و با همه بهر بیختگیها و ناامیها همگی راه را بر پیشرفت دشمن بستند.

توان جنگی ایران انقلابی در مدتی کوتاه، کارشناسان برجسته جنگی جهان را به شگفت آورد و بر انگیزندگان و برنامه ریزان دشمن را به خشم و سرگردانی افکند.

بگفته بسیار روشن رئیس جمهور و دیگر دست اندر کاران، ایران به اندازه کافی، ساز و برگ جنگی مورد نیاز را هم در دسترس دارد، ولی با پیهمه آمادگی و تلاش که نشان داده است، همور دشمن ددمنش بخشی از شهرها و روستاهای کشور را در اشغال دارد.

بی هیچ گفتگو ایران از دشمن نیرومندتر است و بشمار رزمندگان ایران از دشمن فزونتر و از جنگ افزار هم گاستی ندارد و از همه بااهمیت تر توانمندی روحی و شور جنگی ایرانیان که انقلابی بزرگ را پشت سر گذارده اند به هیچ روی با عراقیهای در اختنا، به سر برده سنجیدنی نیست، پس چرا برافکندن تجاوزگران چنین به دیری و درنگ کشیده است.

آنکه در روبروی ایران قرار گرفته، دشمنی است پریشان و درمانده و از درون و بیرون کشور خود آسیبهای فراوان دیده، ایستادگی این دشمن و بجاماندن نشانه های چیرگی های نخستین برای آن، حکایتی سخت ناروا است.

چنین دشمنی می باید روزها و هفته ها پیش از همه سرزمینهای ایران تارانه شده و نظم داخلی آن نیز درهم ریخته باشد و اگر چنین نشده، بی تردید دشواری در میان است و بی تردید این دشواری در مردم و در جنگجویان ساده نمی باشد و هر دشواری را باید در سامان بخشی و فرماندهی جنگ و گرداندگی کشور جستجو کرد. بقیه در صفحه دوم

به یاد شهید کامران نجات الهی همگامی استادان با جنبش دانشجویی پیوند خونین دو عنصر بنیادی دانشگاه

با اینکه بنیادگذاری دانشگاه تهران از مجموعه مدرسه های عالی دوره پس از مشروطیت، و رشد و توسعه آن و نیز ایجاد دانشگاههای دیگر در استانهای کشور، بر روی هم از حیات اجتماعی مردم و مجموعه فرهنگی ایران بدور بود، اما در روند حرکتی انقلابی ملت، اندک اندک جای تاریخی خود را بدست می آورد.

با اینکه هدف مدرسه های عالی، پرورش دیوان سالار و فن سالار برای پاسخگویی به نیازهای سلطنت استبدادی و ایسته پهلوی بود، اما جنبش دانشجویی ایران، بگونه یکی از شریان های اصلی حرکت استقلال در جامعه، از آغاز نهضت ملی ایران تا پیروزی انقلاب به کالبد حیات ملت، خون زندگی بخش پایداری و پیکار رسانید.

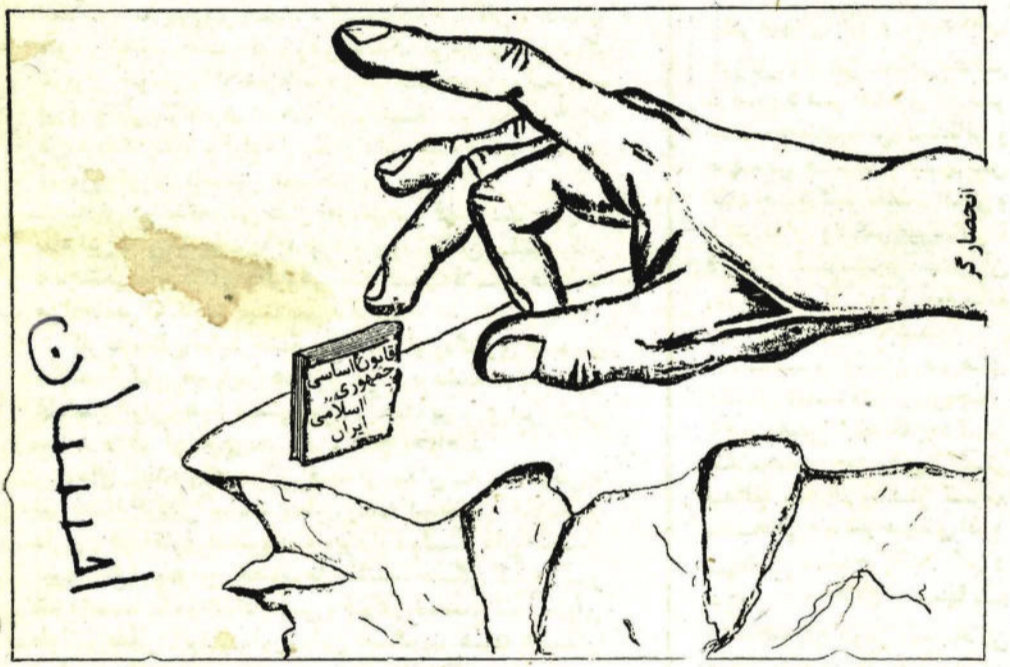
با اینکه از آغاز برپائی دانشگاه در ایران، نظام وابسته حکومتی، کوشش میکرد گرد هم آئیها «درس محبت» نیاشد و استادان با دانشجویان پیوند نداشته و جز تدریس «جروه های درسی» از مقوله دیگری سخن به میان نیاورند، اما توسط شخصیت های برجسته ای چون غلامحسین خان رهنما، علامه دهخدا، میرزا عبدالعظیم قریب، آیت الله فاضل تونی و تنی چند که با نظام آموزش اسلامی و فرهنگ ایرانی پیوندی استوار داشتند، دیوار جدائیها شکسته شد و آن بزرگواران نه تنها برای دانشگاهیان کشور، راهمیان راستین علم و ادب و اخلاق شدند، بلکه برای ملت ایران افتخار آفرین گردیدند.

نکته دیگری را که از سالهای پس از جنگ جهانگیر دوم در رابطه با استادان دانشگاه، باید یادآور شد اینست که بسیاری از «استادان» در رشته های پزشکی و حقوق و فی، استادی را برای داشتن امتیاز شعلی جهت برخورداری از مزایای اقتصادی «بیرون دانشگاهی» طلب میکردند و دستگاه نیز ایس بقیه در صفحه دوم

اطلاعیه

آئین بزرگداشت دومین سالگرد شهادت استاد کامران نجات الهی در ساعت یازده روز جمعه پنجم دیماه ۱۳۵۹ در قطعه ۲۴ بهشت زهرا از سوی خانواده و همسران آن دلیر بخون خفته برگزار میشود.
به نشان ارج نهادن بر جدول ارزشهای انقلاب و شهیدان آرمانخواه آن، همه استادان، دانشجویان، آموزشگران و دانش آموزان به شرکت در این آئین فراخوانده میشوند.

۱۳۵۹/۱۰/۱۱
شورای دانشگاهیان
حزب ملت ایران



گزارشی از سه ماه نبرد میهنی

خطای فرماندهی دشمن در پیش بینی جنگ برق آسا بر ارتش عراق خسارت های جبران ناپذیر وارد آمده

ساعت دوازده و سی دقیقه روز دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ چند اسکادران هواپیمای عراقی پس از تجاوز به حریم هوایی ایران، فرودگاه بین المللی تهران و در همین حال چند پایگاه هوایی در نقاط مختلف را بمباران می کنند. به این ترتیب «نبرد میهنی» ایرانیان با تجاوزگران نژادگرای بعث عراق آغاز می گردد.
به نظر بسیاری از متخصصان نظامی، شیوه به کار رفته در حمله ناگهانی هواپیماهای جنگی عراق به پایگاه های هوایی ایران تقلیدی کور از حمله سال ۱۹۶۷ نیروی هوایی اسرائیل به فرودگاه های کشورهای عربی بوده است. به نظر همین متخصصان

- در سایه صفحه ها
- شهادت غرور آفرین
شعری از ادیب برومند
شاعر ملی
- گزارشی دیگر از
حمله به مرگه سور
- از خبرهای هفته
- از نامه های رسیده
- در حاشیه جنگ
ایران و عراق

حکومت نژادگرای بعث عراق را باید سرنگون کرد.

به درازا کشیدن جنگ زیانبار است

مدتها پیش گفته شد که جنگ نباید این اندازه به درازا بکشد و زیان و ویرانی به بار آورد. کار بدستان کشور و فرماندهان ارتش و دیگر نیروهای رزمنده باید یکبار دیگر چگونگی جنگ را بررسی کنند و با برنامه‌های سنجیده به چالاک‌ی فروپاشیدن دشمن را آغاز کنند و هر چه زودتر آنرا نه از ایران برانند، که در سرزمین خود نابود و مردم عراق را آزاد سازند.

همه قدرت سازمانی و سیاسی و همه توان رزمی کشور باید در براندازی دشمن بد کنش به کار گرفته شود و نباید گذارد کشمکش‌های شخصی بر سر نوشت جنگ اثر بگذارد.

سیاستگران و دولتمردان نباید روح میهن دوستی و باور انقلابی مردم ایران را وسیله برتری جویی بر یکدیگر سازند، بهره گرفتن از جنگ با تهمت و دشنام برای به انحصار خود درآوردن قدرت، گماهی است بزرگ و تلاش برای گردآوردن افتخارهای جنگی در یک مرکز، گماهی است بزرگتر. آنکه جنگیده است و می‌جنگد و آنکه سنگینی بار توانفرسای جنگ را بر دوش می‌کشد ملت ایران

می‌باشد و بس. همان مردمی که کوچه و خیابان سراسر شهرها و حتی پیچ و خم بسیاری از روستاها را رنگ ارغوان زدند تا انقلاب را به پیروزی رساندند اینک هم خانمان و هستی خود را به زیر بمب و خمپاره و موشک می‌سپارند و پیکر عزیزان خویش را از هم دریده و در جبهه‌های جنگ وثیقه پیروزی می‌دارند. هر افتخار که از جنگ برآید باید به این مردم بلند همت و آزاده ارمان داد، چه تنها ایشان پیروزی آوران راستین هستند.

تلاش در سکه زدن نقش آفرینی‌ها و قهرمانیهای رزمی بنام این و آن، تنها به پدیدآوردن پراکندگی و کشانیدن همچشمی‌های فردی و گروهی به جبهه‌های جنگ می‌انجامد که کاری است بس ناگوار.

کار بدستان نباید جنگ را ابزار آوازه‌گری خویش سازند، ایشان هم باید، همچون مردم پریشیده و به خون غلظیده ایران، همه هستی خود را وقف پیروزی بر دشمن سلزند و جز آن هیچ نجوبند و هیچ نخواهند.

زمان، زمانه رنجیدن و رقیب از میدان به در کردن و تیر ناسزا باریدن نیست. زمان، زمانه گذشت و خویشتن داری و فداکاری است و به ویژه از دولتمردان انتظار می‌رود که نمونه این خصلت‌ها باشند. جنگی که درگیر شده است، یک رویداد جنسی و فرعی نیست که بتوان طولانی شدن آنرا تاب آورد. این جنگ بر همه هستی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، حتی فرهنگی ایران سایه افکنده و همه و همه نیرو و فرصت سازمان دهی و بازسازی کشور را به خود گرفته است.

طولانی شدن جنگ به معنی از کف رفتن همه نیرو و فرصت سازندگی ایران آنهم در دوران پس از انقلاب می‌باشد.

باید با آگاهی و توانائی از فرسایشی شدن جنگ که خواست دشمن است جلوگیری کرد و با شتاب بسیار آنرا پیروزمندانه به پایان رساند تا بشود به از میان بردن ویرانیه‌ها پرداخت.

آواره بودن دست کم یک میلیون تن از مردم و فرو پاشیدن گشترها و کارخانه‌ها در شهر و روستا، حادثه‌ای نیست که به آسانی آنرا برای مدتی دراز تحمل کرد.

هر چه جنگ به دیری کشد امکان ستردن اثرهای آن کاستی می‌یابد و اندازه ویرانی‌ها فزونی می‌گیرد.

پی آمدهای جنگ، در پایان آن نمودار می‌شود، زیرا تا هنگامه جنگ برپاست هیچکس به ارزیابی زیانها نمی‌نشیند و همه کس توان و تلاش خود را در پای پیروزی یافتن می‌ریزد و در فردای پیروزی است که دشواریهای برخاسته از طولانی شدن جنگ رخ مینماید.

اصرار حزب ملت ایران بر سرکوب کردن دشمن و کوتاه کردن دوران جنگ تنها از ره غرور و افتخار جویی نیست، بلکه بهبود آینده ایران چنین حکم می‌کند.

از این گذشته طولانی شدن جنگ، به دشمن در مانده، زمان برای چاره جویی میدهد تا از همه سو یاوری بگیرد و پیروزی را برای ایران دشوارتر سازد.

زاممداران کشور و گردانندگان جنگ باید هر خواسته از سر نهند و همه نیروهای نهفته مردم را بسیج کنند و بی‌باکانه بر دشمن به تنگنا افتاده تاخت آورند و آنرا تارومار سازند.

صدام حسین و ارتش مزدور عراق، چنان وزنی ندارند که جنگی چنین را بیاریند و آنچه هم تاکنون کرده‌اند از گنجایش و ارزش آنها بیرون بوده است و باید بی‌درنگ شرنگ شکست را بچشند.

روشن است که مردم و نیروهای سه گانه ارتش و سپاه پاسداران انقلاب و نهادهائی چون ژاندارمری و شهرستانی

به یاد شهید کامران نجات الهی

انتخاب را قبول داشت چون استاد با دانشجو و کارمند و فضای دانشگاهی در تماس بسیار اندک قرار میگرفت و گفتگوهای سازنده و وحدت آفرین (مباحثه) بوجود نمی‌آمد و در نتیجه این افتراق سایه حکومتگری بر مرکزهای علمی و آموزش پایدار می‌ماند.

با اینهمه بسیاری از استادان و کار بدستان دانشگاهی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خط و ربط بیگانه ساخته را در هم ریختند و از دانشگاه و استقلال آن دفاع کردند. سخن‌های دکتر علی اکبر سیاسی در نخستین سلام پس از کودتا و تجلیل از دکتر غلامحسین صدیقی استاد زندانی جامعه شناسی و مخالفت دوازده استاد مبارز دانشگاه تهران،

دکتر معظمی و مهندس رضوی مهندس حبیبی و دکتر مهدی آذر و مهندس بازرگان و دکتر سبحانی و دکتر قریب و دکتر عابدی و دکتر جناب و مهندس عطائی و مهندس خلیلی و مهندس انتظام و دکتر نعمت الهی و دکتر بیژن و دکتر میربابائی با قرار داد کنسرسیوم نفت، در آن روزگار اختناق، به جامعه ماتم زده ایران امیدها بخشید.

دستگیریها و زندان رفتن‌های استادان نهضت ملی ایران چون دکتر علی شایگان و دکتر غلامحسین صدیقی و دکتر یدالله سبحانی و دکتر کریم سنجابی و دکتر مهدی آذرو مهندس مهدی بازرگان و دیپلمات‌ها که تنها به دانشجویان درس ایستادگی میداد بلکه در کل جامعه ایران حرکت بوجود می‌آورد.

با از میان رفتن استقلال دانشگاه توسط رئیس انتصابی آن دکتر جهان‌شاه صالح و پائین آمدن حرمت مقامهای علمی و اداری دانشگاههای ایران، دیگر هر دانشمند و اندیشه‌گری نمی‌توانست بعنوان استاد و محقق وارد دانشگاه شود استادان آزادیخواه به بهانه‌های گوناگون از دانشگاه اخراج شدند یا بطور شدید زیر نظارت قرار گرفتند.

سازمان امنیت عده‌ای جاسوس و خبر چین و بیسواد و نوکر صفت و غرض ورز به عنوان استاد و پژوهشگر وارد دانشگاه کرد و وظیفه «پلیسی» را در نظام سلطنتی تاحد «استادی» رساند!

بسیاری از استادان از آن زمانها بصف کشیده میشدند و بررزه می‌رفتند بسیار کسان متصدیان دانشگاهها شدند که هدفی جز پائین آوردن سطح علم و اخلاق نداشتند.

تدریس و تعلیم جنبه «صوری» داشت و اگر چند تنی به

و همه رزمندگان هر گوشش و دلیری بایسته را به جا آورده‌اند و اگر هر پیروزی بدست نیامده گناه آنان است که سررشته کارها را دارند.

هر کدام از کار بدستان کشور و فرماندهان که توانائی پدید آوردن پیروزی در کوتاهترین زمان را ندارند باید هر چه زودتر جای خود را به دیگری بدهند تا از داوری تلخ تاریخ برهند.

گزارشی از سه ماه نبرد دمیهنی

پس از آغاز هجوم زمینی نیروهای عراقی به داخل خاک ایران واحدهای هوایی عراق با اتخاذ تاکتیک دیگری وظیفه پشتیبانی از نیروی زمینی خود را به عهده گرفتند.

نیروی هوائی ایران که توانسته بود از نخستین موج حمله هواپیماهای عراقی سالم به در رود، اکنون تهدیدی مستقیم بر واحدهای زرهی، پیاده نظام و ناوهای جنگی عراق به شمار می‌رفت به همین دلیل نیروی هوائی دشمن فشار خود را بر نواحی غربی متمرکز کرد. فرماندهی نیروی هوایی عراق بقیه در صفحه سوم

خود جنبه علنی و رسمی دادند در این نوشتار سعی می‌شود آنچه را که در سه ماه اخیر در جبهه‌های نبرد دمیهنی روی داده است بطور اختصار گوشزد نمود.

الف- عملیات هوایی در روزهای آغاز جنگ، نیروی هوایی عراق در صدد بود با حمله‌های پیگیر بر پایگاههای هوایی کشور، نیروی زمینی ایران را از پشتیبانی هوائی محروم سازد به همین جهت در نخستین روز جنگ هواپیماهای جنگی عراق فرودگاه‌های تهران، بوشهر آبادان، اهواز همدان تبریز و دزفول را بمباران کردند.

در دوم دی ماه ۱۳۵۷- باینه سازمان با امضای دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی تهران، دانشگاه پلی‌تکنیک، دانشگاه ملی ایران، دانشگاه آزاد ایران، دانشگاه ابوریحان، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه علم و صنعت، مدرسه عالی بازرگانی، مؤسسه آموزش عالی آمار و انفرماتیک، جهت تحصن در وزارت علوم انتشار یافت.

زمانیکه بسیاری از استادان برای بازگشتی دانشگاهها در وزارت علوم و آموزش عالی (خیابان ویلای شمالی) تحصن کرده بودند، استاد کامران نجات الهی فرزند دلیر کردستان، مبین دوست و آزادیخواه مبارز استاد دانشگاه پلی‌تکنیک تهران نیز همگام همه استادان آگاه در صف تحصن کنندگان قرار گرفت و روز سه‌شنبه پنجم دیماه ۱۳۵۷ هنگامی که در تراس ساختمان وزارتخانه نظاره‌گر شهر خونین و آسمان دودآلود و باروت‌زده تهران بود، ناگهان از ساختمان حزب رسوای رستاخیز گلوله‌ای وی را از پای درآورد. با اینکه پزشکان بیمارستان به‌آور همه تلاشها را جهت بهبودی هم‌رزم خود بعمل آوردند، اما گوئی انقلاب ایران به خون استاد جوان و دلاوری نیاز داشت تا در آمیخته با خونهای دیگر بحق بودن خود را بر پیشانی تابناک و بلند «دانش» بنشانند.

چهارشنبه ششم دیماه ۱۳۵۷ مردم تهران و رهبران دینی و سیاسی و همکاران و شاگردان استاد شهید، که برای واپسین وداع و تشییع جنازه وی آمده بودند، نزدیک میدان انقلاب (میدان ۲۴ اسفند سابق) بناگاه برگیار مسلسل بسته شدند. دهها تن به خاک و خون غلتیدند که نام سه تن آنها، دکتر عباس صفوی، مهندس رسول قدیمی، حسین قشقائی (فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای دراماتیک) شناخته شده است. ناگفته نماند که جنازه استاد و جنازه دانشجوی بنام مسعود دهقان همزمان تشییع گردید. مجلس‌های ختم و هفته و یادبودهای فراوان در سرتاسر ایران زمین برپا گردید و انسان که در توان دانشگاهیان بود، حقانیت و مظلومیت شهید خود را برملا ساختند و در روز بیست و سوم دی ماه ۱۳۵۷ سرانجام با قدرت مردم، دانشگاه، آن سنگر آزادی را گشودند و با آنکه در

این سنگر روشنائی، شهیدان دیگری نیز به کاروان شهادت پیوستند، اما نشان داده شد که استبداد در برابر دانش، زبون و خوار و فرومایه است.

روحانیت و طلاب حوزه‌های علمی قم و جاهای دیگر، دانشگاه را به گونه پایگاه مبارزاتی پذیرفتند و تحصن در مسجد دانشگاه، نه تنها آغازگر مبارزات جدید روحانیت بشمار آمد، بلکه به رغم دسیسه‌های دشمنان اسلام و ایران، روحانی و دانشگاهی، دست در دست یکدیگر در نابودی جهل و استبداد و استعمار هماهنگی یافتند.

سنت سالگرد شهادت استاد در نخستین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران با اهمیت هرچه تمامتر برگزار گردید و مردم حق شناس ایران، مراتب همگامی خود را با استادان مبارز و متعهد، و همدردی خود را با دانشگاهیان و خانواده شهید پرور نجات الهی اعلام کردند.

امسال، دومین سالگرد شهادت استاد، در زمانی برگزار میشود که دانشگاه، یعنی خانه استاد و دانشجو، یعنی محفل علم و محبت، ماتمکده ناآگاهی‌ها و بیدانسی‌ها شده است و با اینکه خون شهیدان دانشگاه دگرگونی نظام آموزشی و تعهد آنرا در برابر ملت و تاریخ، طلب میکنند، اما کار بدستان انحصارگر، باین نام ولی به نیت‌های شوم دیگر، در بازگشتی آن تعلق می‌ورزند.

مردم حماسه‌آفرین، میدانند که استقلال و آزادی ایران، به خون نیاز دارد، باید خون داد تا آبیاری گرد میهن جاودانه خود راه.

همه خونها یک رنگند، همه شهیدان در پیشگاه الهی زنده و جاویدند، ستمگران تاریخ، خون آشامان همه زمانه‌ها، بس خون‌ها ریخته‌اند، زمین ایران لاله‌زاران خون جوانان است، گوئی جویبارهای این میهن بزرگ شط خونین کسانی است که انسانیت خود را فریاد کرده‌اند، از همه گروه‌های اجتماعی، از همه فرقه‌ها و از همه بخش‌ها. در این میان چگونه میتوان خون شهید استاد کامران نجات الهی را فراموش کرد و خون شهیدان دیگری که دانائی را بر تعهد پیوند زده‌اند و با داشتن مشعل روشنائی در دست بیدار خدا رفته‌اند. آری

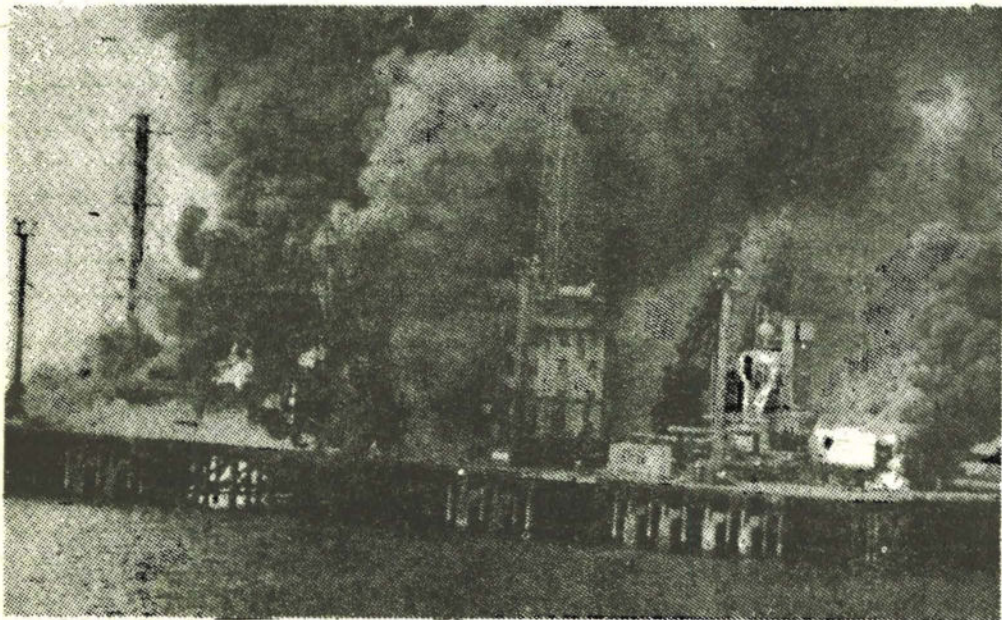
بسی خون کرده‌اند اهل ملامت ولی این خون نخسبد تا قیامت

گزارشی از سه ماه نبرد میهنی

۳- جبهه شمال- نیروی متجاوز عراقی در نخستین روزهای آغاز جنگ شهرهای مرزی سومار و قصر شیرین را متصرف شدند و به سوی سرپل ذهاب و گیلانغرب پیشروی کردند در اینجا نیز نیروهای رزمنده ایران توانستند علیرغم غافلگیری روزهای نخست راه را بر پیشروی دشمن بسته و حال نقطه ثقل جبهه سرپل ذهاب و گیلانغرب می باشد.

ت- هواپیمایی نیروی زمینی (هوانیروز)

هواپیمایی نیروی زمینی (هوانیروز) همانطور که از نامش پیداست وظیفه حمایت و پشتیبانی از واحدهای زمینی در



بندر فاو پس از حمله همزمان نیروی دریائی و نیروی هوائی ایران در آتش میسوزد.

جنگ را به عهده دارد. هلیکوپترهای هوانیروز در طی سه ماه اخیر در جبهه‌های «نبرد میهنی» حماسه آفریدند، در جبهه خوزستان که جبهه‌های است صاف و پهن از دشتهای با ناهمواریهای کم به نظر متخصصان نظامی، منطقه ایدالی برای عملیات جنگی هلیکوپترهای هوانیروز شمرده نمی شد.

زیرا هلیکوپترهای جنگی در اصل برای جنگ در نواحی کوهستانی طرح ریزی گردیده‌اند اما با آغاز نبرد میهنی و حملات کوبنده هلیکوپترهای هوانیروز به ستونهای زرهی و پیاده نظام دشمن غیر ممکن به ممکن مبدل شد و خلبانان آرمانخواه وشایسته هوانیروز علیرغم حمله هواپیماها و دفاع ضد هوایی واحدهای زمینی دشمن در دشتهای خوزستان با حمله‌های خود عرصه را بر متجاوزان عراقی تنگ کردند.

همچنین در جبهه‌های مرکزی و شمالی که بخاطر طبیعت کوهستانی خود مرکز فعالیت پسندیده‌ای برای هلیکوپتر محسوب میشود، هوانیروز شدیدترین ضربه‌ها را برواحدهای دشمن وارد کرد یکی از سهمگین ترین حمله‌های هلیکوپترهای هوانیروز بردشمن در تاریخ چهارم خننه بیست و سوم مهرماه روی داده است. در این روز خلبانان غیرتمند هوانیروز در ناحیه مرزی ایلام موفق شدند دو پاسگاه دشمن، یازده دستگاه تانک، یک دستگاه خودرویی فرماندهی را منهدم و بیش از یک هزار نفر از متجاوزان به ایران را به هلاکت برسانند.

ث- عملیات برون مرزی در تدارک تجاوز گسترده بقیه در صفحه پنجم

در سه روز آغاز جنگ شهر سوسنگرد به تصرف نیروهای متجاوز عراقی درآمد و در ناحیه جنوبی تر واحدهای عراقی تا شلمچه پیشروی کردند و از سوی دیگر واحدهای عراقی به رودخانه کرخه رسیدند. اما مقاومت گسترده واحدهای لشکر ۹۲ زرهی اهواز و سپاه پاسدار انقلاب و نیروهای مردمی و همچنین حمله‌های کوبنده بمب افکنهای نیروی هوایی ایران راه را بر پیشروی بیشتر نیروهای عراقی

نبردهای پراکنده‌ای با ناوهای عراق بودند تا اینکه در هفته اول آذرماه دو طرف درگیر بزرگترین نبرد دریایی خود گردیدند. در این نبرد، نیروی دریایی ایران حماسه آفرید چهار فروند ناوچه موشک انداز از نوع «اوزا» و هفت فروند ناوچه توپدار دشمن غرق شدند. همچنین در روز شنبه بیست و هشتم آبانماه تفنگداران نیروی دریایی ایران توسط هلیکوپتر در اسکله نفتی «السیکر» که از

دریایی بر اروندرود ۲- کنترل دریایی بر خلیج فارس از طریق نابودی ناوگان دریایی ایران و سپس استقرار در سه جزیره تنب بزرگ تنب کوچک و ابوموسی اما برخلاف انتظار عراق نیروی دریایی ایران از همان روز آغاز جنگ برتری کامل خود را بر نیروی دریایی متجاوز حفظ کرد. در نخستین روز جنگ واحدهای شناور نیروی دریایی ایران تنگ هرمز را که به مثابه گلوگاه خلیج فارس است تحت کنترل خود در آوردند و فرماندهی نیروی دریایی ایران قول داد که با تمام توان خویش این تنگه را باز نگاه خواهد داشت.

فرماندهی نیروی دریایی عراق که در ابتدا به خیال ضعف نیروی هوایی و نیروی دریایی ایران در صدد حمله به پایگاههای دریایی ایران برآمده و ناوهای خود را به دریا گسیل داشته بود در نخستین ساعاتی یکم مهرماه در نبرد دریایی شدیدی که در پانزده میلی بندر بوشهر روی داد شکست خورد و در طی آن حماسه آفرینان نیروی دریایی ایران در میان تعجب و تحسین جهانیان چهار فروند ناوچه موشک انداز عراقی را غرق کردند.

مهمترین ترمینالهای صدور نفت عراق بشمار می رود پیاده شده و پرچم ایران را بر فراز آن به اهتزاز در آوردند. در این میان نیروی دریایی ایران علاوه بر رویارویی با ناوهای متجاوز عراقی سهمی بزرگ در عملیات دفاع از شهرهای خرمشهر و آبادان داشتند.

تکاوران و تفنگداران نیروی دریایی ایران در این منطقه در بسیاری از موارد در نبردهای خونین تن به تن و نابرابر از نظر تعداد نفرات برتری خود را بر متجاوزان به ثبوت رسانده‌اند. در هر حال آنچه که قطعی است، نقش نیروی دریایی عراق در تیز پایان یافته تلقی میشود و با ضربه‌های سختی که توسط واحدهای دریایی ایران بر آنها وارد گردیده، استعداد این نیرو به چند ناوچه محدود شده که آنها نیز به بندرهای مختلف عراق و کشورهای عرب خلیج فارس پناه برده‌اند.

پ- عملیات زمینی با آغاز نخستین موج حمله هوایی هواپیماهای عراقی به نقاط مختلف ایران واحدهای زمینی عراق از سه جهت بخاک کشور تجاوز کرد: ۱- جبهه جنوب- فرماندهی نیروی زمینی عراق با توجه به امکانات گسترده‌ای که در اختیار داشت، طبق نقشه پیش بینی شده در صدد بود با حمله‌ای برق آسا شهرهای آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، دزفول و اهواز را در جبهه جنوب به تصرف در آورد. در این میان واحدهای تانک عراقی در پناه آتش شدید توپخانه و در پی آن ستونهای پیاده نظام به سوی ناحیه‌های مرزی ایران در استان خوزستان بحرکت درآمدند.

حماسه‌ای خلبانان ایرانی به زبان آورده‌اند. پس از موج آغازین حمله هواپیماهای عراقی بر فرودگاهها و پایگاههای هوایی ایران در نخستین ساعاتی بامداد سه شنبه اول مهرماه، یکصد و چهل فروند هواپیماهای جنگی نیروی هوایی ایران از کلیه پایگاههای هوایی به هوا برخاسته و هدفهای نظامی دشمن را در هم کوبیدند.

در این حمله پایگاههای بصره، بغداد، نیره، بصیریه، ام القصر، جبانیه، موصل و کات بشدت آسیب دیدند. هواپیماهای نیروی هوایی ایران که بیشتر از نوع اف-۴ و اف-۵ هستند پس از حمله حماسه‌ای بامداد یکم مهر نقش حمایت از واحدهای زمینی و دریائی ایران را نیز به عهده گرفتند و به گفته بسیاری از متخصصان نظامی یکی از عاملهای اصلی جلوگیری از پیشروی واحدهای زمینی دشمن، همین حرکت سریع و کوبنده نیروی هوایی ایران بود که با بمبارانهای پیگیر واحدهای زرهی و پیاده نظام دشمن اجازه تجدید سازمان را به واحدهای زمینی ایران دادند. پس از گذشت چند روز هواپیماهای نیروی هوایی ایران برتری کامل خود را بر نیروی هوایی عراق به اثبات رساندند و از آن پس خلبانان ایرانی با فراغ بال تا دورترین نقاط عراق پرواز می کردند و پس از بمباران دقیق هدفهای مورد نظر به پایگاههای خویش باز می گشتند.

به طوری که نفت صادراتی عراق از طریق اسکله‌های واقع در خلیج فارس و نیز بوسیله لوله از راه سوریه و ترکیه قطع گردید. همچنین عراق ناگزیر شد برای تأمین نیازهای سوختی خود از کشورهای عربی دوست مانند کویت و عربستان سعودی مقدار زیادی مواد سوختی وارد کند. ب. عملیات دریایی در آغاز جنگ فرماندهی نیروی دریایی عراق دوهدف عمده را دنبال میکرد: ۱- کنترل

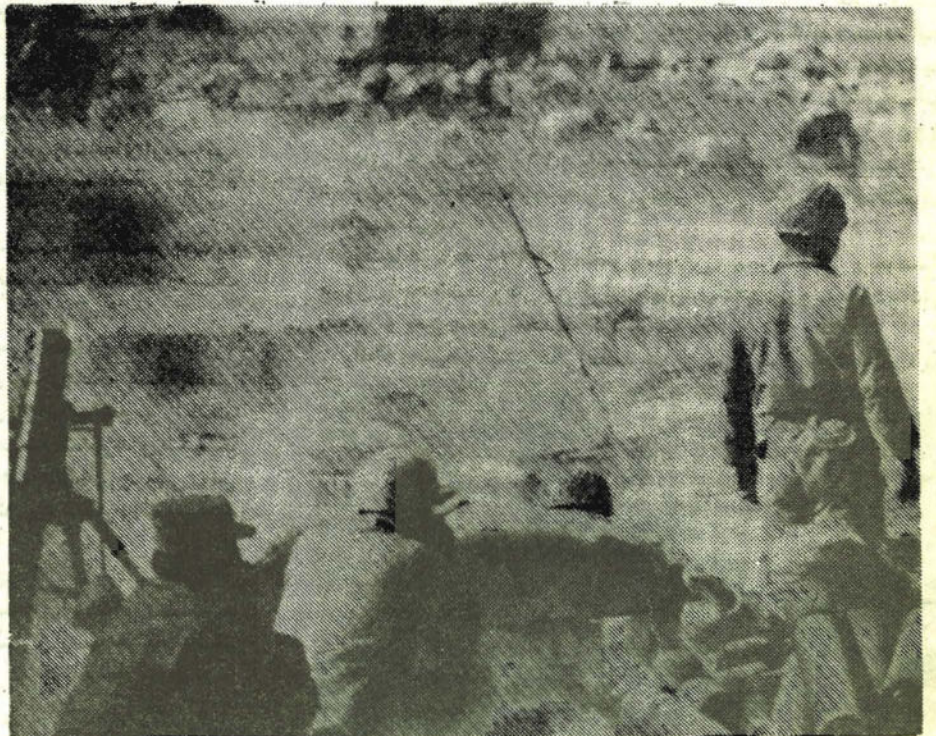
در هفته اول جنگ ضربه‌های مهلکی بر نیروی دریایی عراق وارد گردید و در خطر انهدام کامل قرار گرفت و در پی آن فرماندهی دشمن به واحدهای شناور خود دستور فرار به بندرهای شیخ نشین‌های جنوبی خلیج فارس را صادر کرد. در این رابطه فرماندهی نیروی دریایی ایران اعلام کرد: «اقدامات شناسایی را انجام دادیم و امیدواریم یک راه حل سیاسی برای خروج ناوهای عراقی از بنادر خارجی بیابیم و در صورت عدم امکان آنها را در همان بنادر شیخ نشین نابود خواهیم کرد.»

تا پنجم مهرماه واحدهای شناور نیروی دریایی ایران درگیر

که با توجه به نقشه‌های جنگی پیش بینی شده خود انتظار پیروزی آسانی بر نیروی هوایی ایران را می کشید از همان روزهای نخست با این حقیقت روبرو گردید که دفاع هوایی وضد هوایی ایران بر خلاف انتظار از استحکام زیادی برخوردار است بطوری که در همان نخستین روز جنگ یازده فروند از هواپیماهای عراقی در مواجهه با دفاع هوایی وضد هوایی ایران سرنگون شدند.

نیروی هوایی عراق که با همه گونه هواپیماهای جنگی از نوع میگ ۲۱ میگ ۲۳ سوخو توپولف مجهز بود با گسترش جنگ به از دست دادن بسیاری از هواپیماهای جنگی خود گردید و بسیاری از شاهدان عینی که در فرودگاههای عراق حاضر بوده‌اند نقل کرده‌اند در اکثر عملیات جنگی کمتر از پنجاه در صد هواپیماهای عراقی به پایگاههای خود باز می گردند. پس از گذشت هفته اول جنگ و وقوف فرماندهان عراقی بر این حقیقت که نقشه جنگ برق آسای مورد انتظار آنها به شکست انجامیده یک بار دیگر تاکتیک خود را تغییر داده و این بار مناطق مسکونی شهرها هدف حمله‌های هواپیماهای متجاوز عراقی قرار گرفت. بمباران بی‌وقفه و حماسه‌ای پایگاههای هوایی و فرودگاه‌های عراق توسط نیروی هوایی ایران که در عراق و دنیا به «شبح نیمروز» معروف شده‌اند، باعث از میان رفتن تعداد بسیاری از هواپیماهای جنگی عراق گردید بطوری که پس از گذشت یک ماه از آغاز «نبرد میهنی» از پرواز هواپیماهای عراقی به شدت کاستی گرفت و فشار وارد بر واحدهای زمینی دریایی و شهرهای ایران نیز به طرز محسوس خفیف شد.

نیروی هوایی ایران که طرز عمل آن بطور کامل تخصصی است برخلاف نیروی زمینی در طول دو سال گذشته از دست اندازیهای انحصار گران در امان بوده است به همین دلیل پرسنل این نیرو در طی سه ماه اخیر چنان کار آیی از خود نشان دادند که حتی متخصصان نظامی دیگر کشورها نیز حیرت و تحسین خود را از عملیات



رزمندگان نیروی زمینی به هنگام ایجاد سد آتش با خمپاره انداز ۸۱ میلیمتری در یکی از جبهه‌های خوزستان

مردم افغانستان در پیکار با تجاوزگران بیگانه کاخ نشینان کرملین کشتی بر گرداب رانده‌اند



در هر کوره راه، در هر تنگه، در هر کوهستان رزمندگان سلاح بر دوش، به جستجوی بیگانه اشغالگر

می‌گردند تا در پیکار بیگانه ایستند. جنگیان افغان در راهها، روستاها و شهرهای کوچک روسیان را زیر ضربه می‌گیرند ولی در شهرهای بزرگ هم، ایشان را آسوده نگذاشته‌اند، در ناحیه میان کابل و قندهار ضربها بر دشمن زده‌اند، و در ناحیه بدخشان و جلال‌آباد، به راستی دشمن را به سته آورده‌اند و بیمارستانها و قبرستانها را از زخمیان و کشتگان ایشان پر کرده‌اند تا آنجا که روسها ناگزیر شده‌اند نیروی بزرگی در این ناحیه‌ها گرد آورند. ولی این نیرو فقط می‌تواند خود را در بخش‌های کوچکی نگه دارد و در خارج از این بخش، جنگیان در کمین نشسته‌اند.

در سالهای دهه ۱۹۳۰ که استالین در روسیه به تصفیه‌های کور و خون‌آلود دست آزیده بود، بر ساحت مسلمانان جمهوریهای آسیای نیز بی‌رحمی‌ها و ستم‌ها روا داشت و گروههای بزرگی از مردم این جمهوری‌ها از روسیه گریختند، بخش کوچکی به ایران و بخش بزرگتری به شمال افغانستان پناهنده شدند.

اینک فرزندان این پناهندگان که قصه ستم روسیان را از پدران خود شنیده بودند، بار دیگر با پوست و خون خود، تبه‌کاری‌های روسیان را حس می‌کنند.

این گروه بار دیگر از ستم روسیان می‌گریزند، ولی این بار گریختن آنان، گونه‌ای دیگر است. این بار، از شهر به کوه می‌گریزند، تا در آنجا سلاح برگیرند و در کنار جنگیان، بر دشمن بتازند، دشمنی که ایشان را نسل به نسل از خانه و کاشانه خود آواره کرده است. تاریخ جهان، جنگهای چریکی بسیار به خود دیده است. این شیوه کارزار را ایرانیان با ثمربخشی بسیار به کار بسته‌اند.

در آن هنگام که سیل پایان‌ناپذیر مغولان، ایران را درهم می‌کوبید و ایران می‌ساخت و ارتش سامان یافته ایران را از میان برداشت، برای رویارویی با این لشکر تبه‌کار، ایرانیان به رزم پراکنده پرداختند و مرکزها برای پرورش جنگنده برپا داشتند.

این مرکزها که بعدها با تغییر شکل کمی، «زورخانه» نامیده شد، فن‌ها و شیوه‌هایی را که برای غلبه بر «مغول» ضرور می‌نمود به جوانان ایران می‌آموخت و همراه با آن، با یادآوری داستانهای پهلوانی و ایران خواهی، به ویژه از فردوسی، روح رزمندگی و میهن دوستی را در آنان قوی می‌ساخت و روانه رزمگاهشان می‌داشت.

پس از این تاریخ گاه و بیگاه در برابر، دشمنان ظفرمند خارجی مردم کشورهای مورد هجوم به ایستادگی‌های گروهی پراکنده دست زدند ولی جنگ چریکی به شکل گسترده و اثربخش کنونی خود، نخستین بار توسط اسپانیایی‌ها صورت گرفت.

مردم اسپانیا که در برابر ارتش سامان یافته و خوش تاکتیک ناپلئون توانائی رزم جبهه‌ای نداشتند، به شیوه نبرد بی‌جبهه یا جنگ چریکی دست زدند و با این شیوه نبرد، ارتش پیروزمند و پرتوان ناپلئون را به سته آوردند و از همینرو، جنگ چریکی را در زبانهای اروپائی، «گریلا» می‌نامند که از زبان اسپانیول گرفته شده و معنای آن «جنگ» است.

جنگ را می‌توان به طور کلی دو گونه دانست، جنگ در جبهه روشن که همان جنگ ارتشهای سامان یافته است، و دیگر جنگ بی‌جبهه، که همین جنگ چریکی یا جنگ و گریز است.

پس از جنگهای ناپلئونی، اندیشه جنگ بی‌جبهه، چندان مورد التفات قرار نگرفت تا جنگ جهانی دوم، در این جنگ که ارتش آلمان، با قدرت ارتشهای همه کشورهای اروپای غربی را درهم شکست، و کشورهای چندی را تصرف کرد مردم کشورهای شکست خورده به ناگزیر، به جنگ بی‌جبهه برخاستند و جنگهای چریکی رونق یافت. و ستاد ارتشهای متفق، با هروسيله که در اختیار داشتند، به یاری این جنگاوران پرداختند.

در فرانسه، یونان و یوگوسلاوی مردم، قهرمانی‌ها و دلیرها نشان دادند، به‌ویژه در یوگوسلاوی شجاعت‌های افسانه‌ای پدید آوردند، پس از جنگ دوم، جنبش‌های رهایی‌بخش، در بسیاری از سرزمینها، جنگ چریکی را در پیش گرفتند و برجسته‌ترین آن در کوبا و الجزایر و دست آخر هم‌رزم جانانه ویتنامی‌ها بود.

ولی رزم افغانها، حکایت دیگری است، چرا که چریکهای یوگوسلاوی در جنگ دوم جهانی، با ارتش آلمان در نبرد بودند و این ارتش از کرانه‌های مانش تا کوههای قفقاز پخش شده بود و شماری از زبده‌ترین واحدهای آن در شمال آفریقا درگیر بود، ارتش آلمان از پاریس تا حومه مسکو می‌جنگید.

هجوم بی‌حاصل روسیه به افغانستان، می‌رود که نخستین سال خود را پشت سر بگذارد، در این یکسال، روسها، هیچ بهره‌ای از هجوم خود برنگرفته‌اند. مردم افغان، جز مرگ و بدنامی بر آنها نیاریدند، و آنها جز کشتار و ویرانی نیافریدند.

اکنون، در پایان یک سال تلاش، روسها خسته و درمانده بر جای ایستاده‌اند، و مردم افغان، آگاه‌تر و سازمان یافته‌تر، به نبرد پای می‌فشارند.

آنچه را در افغانستان می‌گذرد، دیگر نمی‌توان جنگ دانست. در افغانستان، عشق، عشق، به میهن، عشق به دین، به آشفشانی نشسته، و چنان نور و سرودی برپا کرده که هفت گنبد افلاک، از آن روشن و پر صدا است.

اینک، کارخانه تاریخ، در افغانستان، نسج تازه‌ای می‌بافد. اینک مردم افغان، حیاتی دیگر می‌یابند. و اینک اخلاق و عشق، آسمانی از نو می‌سازند. اینک، ماه و آفتاب، در افغانستان، نه همان است که بود. اینک سرزمین افغانستان سرزمین دگری است. اینک، در افغانستان، «آدمی از نو و عاملی از نو» پدید آمده است.

آن روز که اسپانیایی‌ها، در برابر ارتش نوین ناپلئون شیوه جنگ و گریز، یا جنگهای چریکی را شروع کردند و آفرین‌ها شنیدند، هرگز نمی‌پنداشتند، که این شکل جنگ تا اینجا می‌تواند اوج بگیرد.

دوشیزگان نوجوان دبیرستانهای کابل دستهای کوچکشان را مشت می‌کنند و برنفر برهای زرهی روسی نشان می‌دهند. گفته‌اند که تنها در یک روز، شماری نزدیک به شصت تن از این دوشیزگان، با گلوله «انتر ناسیونالیستهای!» روس در خیابانهای کابل به خون غلطیدند. دانشجویان و دانش‌آموزان، به همراهی استادان و آموزگاران خود، از آمو...

دانشگاههای خویش بیرون ریختند و بانگ رسوائی روسها را در هر کوی و ببرز سر دادند.

بازرگانان و فروشندگان، بر دکه و بنگاه خود، قفل و کلید نهادند و از کار دست شستند و ره به جنگ بردند.

سربازان و پاسبانان افغانی، با لباس و ساز و برگ جنگ، واحدهای خود را رها کردند و در کوه و دشت به جنگیان پیوستند.

بسیاری دولت‌مردان، از مقام و موقع خود چشم پوشیدند، در درون و برون کشور و در گردهمایی‌های جهانی، پرده ریا، از سیمای آلوده حکومت بر گرفتند.

اکنون، در زیر آسمان افغانستان سخن نمی‌رود، مگر در



دستگیری بیگانه تجاوزگر، در پی یک جنگ چریکی، چه پرشکوه است

بازستانیدن میهن، و تاراندن بیگانه.

و اکنون، شمار اندک، دست نشانندگان بیگانه، هر کدام به همراهی یک ارتش کوچک، در شهر یاری رفت و آمد، دارند.

اکنون، در پایان یک سال درگیری و ستیز، ارتش روس، بسیاری از زمینها را از دست فرو رفته و تنها در داخل یک دایره شکستهای از مزار شریف تا کابل و قندهار و هرات به سر می‌برد.

ارتش روس، رویای تسخیر افغانستان را از سر نهاده و به پاسداری راههای اصلی تدارکاتی از مرزها تا قرارگاههای خود واژینجاها، به دیگر جاها پرداخته است.

در کنار نگاهداری از راههای تدارکاتی، شهرهای بزرگ و ساختمانهای حکومتی را نیز ارتش روس نگاهبانی می‌کنند.

روسیها بر افغانستان چیره نشده‌اند، افغانها بر آنها چیره گردیده‌اند. در هر گوشه این سرزمین، مرگ در کمین آنها نشسته، از قندهار تا مزار شریف و از جلال‌آباد تا هرات، پشت هر ستون و در پناه هر درخت و کنار هر صخره و در رزق‌های هر چاله دشمن‌های تیز برکشیده‌اند و در انتظار آنکه بر پیکر روس تجاوزگر بکوبند.

ارتش و دیگر واحدهای مسلح افغانستان، جانب میهن راه‌گر فرو نگذاشته‌اند، هر کس توانسته از میان گریخته و به خیل جنگیان پیوسته و آنان که در قرارگاههای خویش مانده‌اند در نهان جنگیانرا یاری می‌دهند. و از رویارویی با مردم افغان سر می‌پنجند.

بیرک کارمل، برای ادامه حکومت خود، تنها به ارتش روس تکیه دارد و نگاهبانان دفتر و خانه وی هم روسی هستند.

بیرک کارمل در یکسال حکومت خود، جز مرگ و ویرانی بر مردم افغانستان هدیه‌ای نداشته‌است.

بخش بزرگی از مردم افغانستان، از میهن گریخته و در پاکستان پناه گرفته‌اند و ارتش روس بسیار کوشیده است که از این گریز جلوگیری کند ولی نتوانسته است و سیل گریزندگان همچنان رو به پاکستان سرازیر است.

شمار ایشان هم اینک از یک میلیون و سیصد هزار گذشته است و این پناهندگان بیشتر زن و کودک و سالخورده‌گان‌اند و جوانهایی که پناهنده می‌شوند، پس از جای دادن خانواده خود به میهن باز

از سوی دیگر ارتشهای متفق با فرستادن سلاح و خوراک و جنگجو، چریکها را یاری می‌داد، هواپیماهای متفقین در کوههای یوگوسلاوی نیازمندی چریکها را با چتر فرو می‌ریختند، و قرارگاههای آلمانها را با بمب می‌کوبیدند.

در نبرد الجزایر، چریکها با ارتش فرانسه روبرو بودند، و ارتش فرانسه بعد از جنگ جهانگیر دوم نه‌تنها ارتش درجه اول نبود، بلکه ارتشی بود به گونه‌ی نسبی ضعیف و از سوی دیگر، گروه بسیار بزرگی از مردم فرانسه در داخل فرانسه، از چریکهای الجزایر پشتیبانی می‌کردند، در نبرد ویتنام، چریکهای ویت‌کنگ، از حمایت بسیار گسترده چین و روسیه بهره‌مند بودند و علاوه بر آن، واحدهای سازمان یافته، ارتش بسیار نیرومند ویتنام شمالی، چریکها را یاری می‌داد.

ولی نبرد افغانستان، هنگامه دیگری است، در هیچ جنگی و هیچ جنگ چریکی، تناسب نیروها، این چنین ناعادلانه نبوده است.

ارتش روس بی‌گفتگو، نیرومندترین نیروی زمینی همه تاریخ بشر را در اختیار دارد، سرباز روسی در افغانستان همه ابزارهای جنگ را در پیشرفته‌ترین نوع در اختیار دارد. سیستم اطلاعاتی و مخابراتی و تدارکاتی و مواصلاتی روسها، تاکنون در تاریخ بشر مانند نداشته است و واحدهای هوائی روسیه از آسمان آتش بر سر جنگیان افغان می‌ریزد.

جنگیان افغان راه همواری به هیچ کجا ندارند، همه راههای اصلی تدارکاتی بر آنان بسته است و قرارگاه واحدهای ارتش روس، از سوی هیچ نیروی دیگری مورد حمله نمی‌باشد و در داخل روسیه هم، هیچ صدائی به حمایت جنگیان افغانی بلند نیست.

افغانها از دولتهای امپریالیستی دیگر به هیچ روی کمک نمیگیرند و دیگر کشورهای سرمایه‌داری هم که داعیه‌دار احترام به حقوق بشر هستند با همه ثروت و توانائی که دارند و با همه غمخواری‌هایی که برای افغانستان سر داده‌اند، هیچ گام با اهمیتی در یاری دادن به آوارگان یا جنگیان افغانی برنداشته‌اند و به این بسنده کردند که گاه عکسی از مبارزان افغانی در روزنامه‌های خود چاپ کنند، آنهم بیشتر برای رنگین کردن و فروختن روزنامه‌هایشان بوده است نه برای ستودن دلیری‌های جنگیان افغان. کشورهای اسلامی هم یا نتوانستند یا نخواستند، که به یاری مردم افغان بشتابند، پناهندگان افغانی در این کشورها گذرانی بسیار تلخ دارند، کمکه‌های ناچیزی به آنها می‌شود که بیشتر اهانت‌آور است و قوطی‌های کنسرو فاسد شده و پوشاکهای نامناسب بیشترین هدیه‌ای بوده که به افغانها داده شده است. کوتاه سخن آنکه مردم افغانستان، در برابر ارتش پر قدرت سرخ، تنها و تنها به پیکار ایستاده‌اند.

جنگیان افغان، سلاح ندارند، خوراک ندارند، پوشاک ندارند، ولی امید خود را به فردای روشن خویش از دست نداده‌اند.

وه که چه پرشکوه و زیبا است، دست تنها و تهی در برابر نیرومندترین ارتش‌ها به پیکار ایستادن.

پایداری‌ها و دلیری‌های افغانها، از چشمه همیشه جوشان میهن‌دوستی بر می‌خیزد. میهن، سرزمین نیاکان، در درون خود جاذبه‌های نهفته دارد که به هیچ افسونی از میان رفتنی نیست. میهن، در برگیرنده یادبودهای دوران کودکی و شیدائی‌های جوانی و آرامگاههای نیاکان و جلوه‌های فرهنگ آشنا، در ذره ذره هستی هر انسان پیچیده شده است.

هر انسان در لابه‌لای مفهوم‌هایی از میهن رشد می‌کند و شخصیت می‌یابد. و به دور از آن سرگشته‌ای بی‌هویت است. از کفر رفتن میهن بر هر کس، به معنای زوال حیثیت و همه احترام‌های وی است. و در برابر هجوم هر بیگانه، به دفاع از آن برخاستن، رویدادی طبیعی است. آنچه افغانها در برابر هجوم روسها به جا آوردند، جلوه‌ای است بس گرامی و والا از عشق به میهن.

روسیها در افغانستان، به تله افتاده‌اند، روسها هرگز گمان نمی‌کردند که از درون مردم افغان، چنین شور و توانائی خواهد جوشید. گفتگوهای روسها با پاره‌ای از خود باختگان افغانی، تصویری نادرست از افغانستان در ذهن روسها پدید آورده و ماجرای چک‌اسلاواکی آنها را در هجوم روسها به جا آوردند، ساخته بود.

هجوم روسها به افغانستان، به دنبال سلسله حوادثی پدید آمد که موقع استراتژیک روسها را در جهان به دشواری کشانده بود. این هجوم نتیجه هراس روسها از به محاصره افتادن است. روسها به یاد می‌آورند که چگونه در ۱۹۱۸ شماری در حدود شانزده کشور بر آنها هجوم آوردند و نیز دوران جنگ سرد در سالهای دهه ۱۹۵۰ و سالهای آغازین دهه ۱۹۶۰ را به خاطر می‌آورند که ابرقدرت دیگری، می‌کوشید تا روسیه را در زنجیره‌ای از کشورهای مخالف، در محاصره گیرد.

روسیها در دهه ۱۹۷۰ از مصر و سودان و یمن شمالی و سومالی بیرون رانده شدند و در این گوشه جهان پایگاههای روسیه به دو کشور اتیوپی و یمن جنوبی محدود کردند.

رابطه روسیه با کشورهایمانند سوریه هرگز نمی‌تواند به گونه یک



رزمندگان، یک نفر بر زرهی روسی رابه غنیمت گرفته‌اند

گزارشی از ...

واحدهای زمینی و هوایی عراق به خاک ایران، بسیاری از واحدهای جنگی دشمن از کردستان عراق به سوی جنوب روانه شدند و این حرکت موقعیت مساعدی را برای رزمندگان کرد فراهم کرد تا با کمک داوطلبان ایرانی که عضو حزب ملت ایران و سازمانهای همگام آن بودند وارد عمل شوند.

الف- شاخه شمالی

در یک حمله گسترده در بیست و نهم و سیام آبان بسوسیه پیشمرگان کرد و رزمندگان ایرانی در منطقه «مرگسور» که با استفاده از سلاحهای سبک و نیمه سنگین انجام گرفت، پادگان مرگسور که پیش از این توسط یک تیپ تقویت گردیده بود درهم کوبیده شد. در این حمله که نزدیک به هفتصد سرباز دشمن به هلاکت رسیدند، رهبری عملیات با ادریس بارزانی بود و در حال

حاضر نبرد چریکی در مناطق شمالی کردستان عراق با شدت تمام ادامه دارد. ب- شاخه جنوبی:

در این ناحیه پیشمرگان کرد به فرماندهی مسعود بارزانی تاکنون صدمات و خسارات بسیاری بر واحدهای مرزی دشمن وارد کرده‌اند و تاکنون دو حمله غافلگیرانه از سربازان

رابطه پایدار و قابل اتکاء به حساب آید.

روسها در شرق میانه به ناگزیر، دست‌آورد سالها تلاش خود را به سرعت از دست دادند و طبیعی است که بر اثر این شکستها، وزارت خارجه شوروی به این اندیشه بیفتد که دیگر نگذارد هیچکدام از پایگاههایش از دست برود.

روسیه با به راه انداختن پیمان ورشو توانسته است که در فاصله سرزمین خود و قدرت‌های نظامی وابسته به ناتو، حکومت‌های دست‌نشاندهای پدید آورد و بدین سان کمربند امنیتی روسها در غرب استوار گردیده است و علاقه روسها به نگاهداری این کمربند امنیتی از دخالت‌های نظامی روسها در مجارستان و چکاسلواکی به خوبی آشکار می‌شود.

مرزهای جنوبی روسیه، همیشه برای این دولت نگرانی آور بوده است و بـه ویژه پـس از آنکـه چین بر قدرت خود افزود و در شمار پایدارترین دشمنان آن درآمد، این نگرانی نسبت به بقیه مرزهای جنوبی افزایش بیشتری پیدا کرد. سه کشور ایران و ترکیه و افغانستان، مرزهای جنوبی روسیه را در میان گرفته‌اند روسها برای اطمینان یافتن از تأمین این مرزهای خود، بـه نـیـای آن را گذاشتند که در دو کشور ایران و ترکیه، فضائی موافق با خود پدید آورند، و در دنبال این نظر، بازار گانی خارجی خود را با دو کشور ذکر شده توسعه دادند، تا آنجا که در کالاهای غیر نفتی، روسها بزرگترین شریک بازرگانی خارجی ایران گردیدند، و به اجرایی طرحهای عمرانی چشمگیری در این کشور پرداختند که ایجاد کارخانه ذوب آهن و کشیدن لوله‌گاز و بهره‌برداری مشترک از آبهای ارس، نمونه اینگونه طرحها است.

درباره ترکیه، روسها به اعطای اعتبارات هنگفت پرداختند و یکی از منابع اصلی تأمین سرمایه برای ترکیه شدند، و علاوه بر این، صدور نیروی الکتریک و نفت و فرآورده‌های نفتی را به آن با شرایط بسیار مساعد، و خریداری بخش بزرگی از فرآورده‌های کشاورزی ترکیه، در پیش گرفتند.

دو کشور ایران و ترکیه، در حالی به ایجاد محیط تفاهم با روسیه دست زدند که وابستگی، فراوان نظامی و سیاسی با امپریالیستها داشتند ولی روسیه امیدوار بود با همکاریهای اقتصادی گسترده، از وابستگی بیشتر آنها جلوگیری کند و فضای سیاسی مساعدی برای خود در این کشورها پدید آورد و یا دست‌کم از خشونت فضای سیاسی حاکم بر روابط دوطرف به کاهد.

روسیه به درستی می‌دانست که پایگاه اصلی آن در مرزهای جنوبی نمی‌تواند ایران یا ترکیه باشد، به دلیل‌های بسیار این دو کشور در وضعی نیستند که روسیه بتواند آنها را به پایگاه خود بدل کند و بیشترین توفیق روسیه در این است که فرصتهایی در جو سیاسی این دو کشور پیدا کند.

ولی در مورد افغانستان وضع از قرار دیگری است و افغانستان از لحاظ ژئوپولیتیک در نظم جهانی غربی، اهمیت دو کشور ایران و ترکیه را ندارد. بنابراین از دست دادن آن برای حریف اصلی تحمل پذیر است، و از سوی دیگر افغانستان با دو کشور چین و پاکستان هم مرز می‌باشد، و با توجه به رابطه نزدیک چین و پاکستان با هم که در جنگ با هند، به خوبی روشن شد و شکل گرفت، افغانستان در موقع جغرافیائی پراهمیتی برای روسیه قرار می‌گیرد.

افغانستان بعد از جنگ جهانی دوم، هرگز حضور گسترده امپریالیستهای دیگر را تجربه نکرد، و چه در زمان رژیم پادشاهی و چه به هنگام حکومت داوودخان، روسیه اصلی‌ترین تسکینه‌گاه نظامی و اقتصادی افغانستان بود. روسها به هیچ‌روی در افغانستان به جستجوی حاکمیت کامل و مطلق نبودند و هرگز نمی‌خواستند، یک رژیم ناب مارکسیست لنینیست در این کشور مستقر سازند همین اندازه رضی بودند که افغانستان وابسته به آنها باشد، و قدرت برتر دیگری در آنجا نفوذ و پایگاه نداشته باشد. این خواسته روسها، در رژیم داوودخان به خوبی برآورده میشد و چشمکهای مختصری که گاه و ابی‌گاه رژیم داوودخان به دیگران می‌زد، برای روسها به هیچ‌روی نگرانی آور نبود.

روسها در مرزهای امپراتوری خود استواری و آرامش و بی‌خطری

مسعود بارزانی، همچنین موفق شده‌اند با تصرف دو پاسگاه کنترل یکی از راههای ارتباطی



تانکها و خودروهای دلاوران نیروی زمینی ایران در جبهه جنگ

کردستان عراق را با دیگر نواحی آن کشور در اختیار گیرند و یک میگ عراقی نیز بر فراز کردستان عراق توسط دفاع هوایی پیشمرگان کرد سرنگون گردیده است.

با اینهمه اکنون سه ماه پس از آغاز «نبرد میهنی» هنوز دشمن تجاوزگر بر گوشه‌هایی از ایران

دشمن به مناطق «حاج عمران» و «ارایات» صورت گرفته است.

در این حمله‌ها که بیش از ۱۲۰ تن از دشمنان به هلاکت رسیدند، چند تن از پیشمرگان کرد نیز از جمله یکی از فرماندهان آنها بنام «فتاح رشیدی» به شهادت رسیدند.

چریکهای تحت فرماندهی

می‌خواستند، و می‌خواهند، که در رژیم داوودخان به خوبی فراهم بود. روسها نمی‌خواستند، مرزهای جنوبی را بر آشوبند ولی ناگهان حزب مارکسیستی دموکراتیک خلق به رهبری نورمحمد تره‌کی به کودتا دست زد.

بسیار طبیعی بود که همه کس به این اندیشه باور آورد که روسها سامان‌دهنده اصلی کودتای این حزب بوده‌اند. و در سراسر جهان هم این نظر و این برداشت تبلیغ شد.

ولی همه قرینه‌ها و دلایل‌ها نشان‌دهنده آن است که کودتای کمونیستی تره‌کی، از پشتیبانی و یا رهبری روسها برخوردار نبوده است.

با جرئت می‌توان پای را برتر گذاشت و گفت روسها از این کودتای کمونیستی حتی آگاه هم نبوده‌اند و حادثه در کابل چنان به سرعت رخ داد که آنها را شگفت‌زده کرد.

معقول و منطقی و باور کردنی است که روسها در کابل به جستجوی استقرار رژیم ناب مارکسیستی نبوده‌اند و باور کردنی است که سیاست خارجی روسها، آنقدر پختگی و آگاهی دارد که در افغانستان به جستجوی «خلوص ایده‌تولوژیک» قدرت حاکم نباشد. آنچه روسها در افغانستان می‌خواستند، آن نبود که تره‌کی به جا آورد.

کودتای تره‌کی آرامش مطبوع افغانستان را برهم ریخت و روسها را درگیر ماجراهای طولانی و پیامدهای شگفت‌آور آن ساخت.

نیروئی که از آشفتگی افغانستان سود می‌جست نیروی امپریالیستی دیگر بود ولی از سوی دیگر هیچ نشانی هم از یآوری آنها در کودتای تره‌کی دیده نمی‌شود و بسیار دشوار است که باور آورد،



می‌رزمند، همواره در یاد و یاباری خداوند یکتا

ابر قدرتی در افغانستان چندان نفوذ کرده بود که می‌توانست در برابر چشم هزارها کارشناس ورزیده روسی به کودتا دست بزند، یا در حزب دموکراتیک خلق افغانستان نفوذ کند.

کودتای تره‌کی یکی از پیچیدگی‌های تاریخ سیاسی معاصر است. و شاید روزی چگونگی پدید آمدن این کودتا روشن شود، ولی بر اساس همه نشانه‌هایی که اکنون دردست است سالمترین نظری که می‌توان در این باره اتخاذ کرد، آن است که گردانندگان حزب دموکراتیک خلق، و به ویژه شخص تره‌کی، بنا به ابتکار و خواسته خود چنین کودتائی ترتیب دادند و روسها را هم ناخواسته به این ماجرا کشانیدند.

حادثه‌هایی که در پس کودتا روی داد، پیش از اصل خود کودتا، تردیدآور است، گردانندگان حزب، با تلاشی غیر عادی به اجرای نظرهای مارکسیستی ناب برخاستند. افغانستان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی به هیچ‌روی آمادگی برای پذیرفتن این تلاشها را نداشت. شلاق کشی‌های حزب دموکراتیک خلق در جهت اجرای اصول خالص مارکسیستی، به طور طبیعی در افغانستان واکنش‌هایی پدید آورد.

این واکنش‌ها، نظم و آرامش جامعه افغانستان را به هم ریخت، چیزی که به طور قطع و یقین روسها طالب آن نبودند.

تلاش‌هایی که در راستای برهم‌زدن بافت سنتی اقتصادی اجتماعی افغانستان صورت می‌گرفت، بیشتر از سوی حفیظ الله‌امین، وزیر کشور بسیار با اقتدار دولت تره‌کی به عمل می‌آمد. آشفته کردن فضای سیاسی- اجتماعی افغانستان، دست‌آورد امین

ایستاده است هنوز آتشبارهای آن بر شهرها و روستاهای میهن ما آتش می‌ریزد و صدها هزار

فرزندان این سرزمین از روی ناچاری خانه و کاشانه، خود را رها کرده و اینجا و آنجا پناه جست‌اند و هـنـوز هم نمی‌توانند به شهر و روستای خود باز گردند از سوی دیگر دشمن

در برخورد با نیروهای دلاور رزمنده ایران به درماندگی افتاده

وقوای تجاوزگران به شدت تحلیل رفته واز قابلیت رزمی آن نیز

کاسته شده‌است. اینک زمان آن می‌باشد بر سر تا سر مرزهای دشمن، حمله‌ای دلیرانه کرد، در هر گوشه خاک دشمن آتش ریخت و به هیچ روی نباید اجازه داد تا جنگ فرسایشی گردد.

باید چالاکی لازم را در مجموعه فرماندهی ایجاد کرد تا حرکتهای آفندی را بیش‌از این باز پس نیاندازند. زمان حمله نهایی

وباز پس گرفتن گوشه‌های ازدست رفته میهن آغاز گردیده، بیاری خداوند و مردم قهرمان ایران راه پیروزی گشوده شده

وباید در این «نبرد میهنی» چیرگی یافت و دولت نژاد گرای بعث عراق را واز گون کردن و حقوق تاریخی ایرانیان را باز گرفت.

باید چالاکی لازم را در مجموعه فرماندهی ایجاد کرد تا حرکتهای آفندی را بیش‌از این باز پس نیاندازند. زمان حمله نهایی

وباز پس گرفتن گوشه‌های ازدست رفته میهن آغاز گردیده، بیاری خداوند و مردم قهرمان ایران راه پیروزی گشوده شده

وباید در این «نبرد میهنی» چیرگی یافت و دولت نژاد گرای بعث عراق را واز گون کردن و حقوق تاریخی ایرانیان را باز گرفت.

باید چالاکی لازم را در مجموعه فرماندهی ایجاد کرد تا حرکتهای آفندی را بیش‌از این باز پس نیاندازند. زمان حمله نهایی

وباز پس گرفتن گوشه‌های ازدست رفته میهن آغاز گردیده، بیاری خداوند و مردم قهرمان ایران راه پیروزی گشوده شده

وباید در این «نبرد میهنی» چیرگی یافت و دولت نژاد گرای بعث عراق را واز گون کردن و حقوق تاریخی ایرانیان را باز گرفت.

باید چالاکی لازم را در مجموعه فرماندهی ایجاد کرد تا حرکتهای آفندی را بیش‌از این باز پس نیاندازند. زمان حمله نهایی

بود، که سرانجام روسها، تیغ بر گردنش نهادند. حمله قاطعانه و بسیار خشمگانه روسها به امین، خود نشان‌دهنده این است که روسها دست‌کم از شیوه اجراء کردن نظرهای تندروانه مارکسیستی در افغانستان، آنهم از راه یکه‌تازیهای شخصی خرسند نبوده‌اند، آنها آشفتگی روزافزون فضا و شرایط اقتصادی و اجتماعی افغانستان را با نگرانی فراوان دنبال می‌کردند.

روسها درهم شکستن اقتصادی افغانستان را که به دست امین اجراء میشد خوش نمی‌دانستند و آنگاه که به هنگام هجوم به افغانستان از احترام خود برای بافت و قاعده‌های سنتی اقتصادی و اجتماعی افغانستان سخن می‌گفتند به راستی خواسته حقیقی و قلبی خود را بیان می‌کردند، افغانستانی که روسها می‌خواستند، افغانستان داوودخان بود نه افغانستان تره‌کی و امین.

همگام حادثه‌هایی که در افغانستان رخ می‌داد، در دیگر گوشه‌های جهان هم تلاش‌هایی صورت می‌گرفت که اصلی‌ترین آنها، تغییر دادن فضای اجتماعی و برداشتهای عمومی مردم آمریکا، و به بوته اجمال افکندن قراردادهای سالت دو بود، و همگامی این حادثها، می‌تواند زمینه پرسشهای بسیاری را برانگیزد.

ریشه و برانگیزنده این حادثها هر چه بود سرانجام به آنجا رسید که افغانستان در آشفتگی بهت‌انگیزی فرو رفت و روسیه را به واکنش برانگیخت.

برژنف یکماه پس از هجوم به افغانستان، در ژانویه به خبرنگار پروادا چنین گفت: «ما هرگز در پی صادر کردن انقلاب نیستیم... ولی در هیچ حالی هم به صادر شدن ضدانقلاب گردن نمی‌نیمیم... اگر شیوه دیگری در پیش گیریم، چنان خواهد بود که بر آمدن و رشد کردن خطر را در مرزهای جنوبی خود، باخوشحالی پذیرا باشیم.»

ریشه و انگیزه حادثه‌های افغانستان هر چه بوده است و همگامی این حادثها با دیگر پیش‌آمدها، از پیش اندیشیده و طرح‌ریزی شده بوده یا اتفاقی، در حال واقعیت انکار ناپذیر آن است که روسیه بانیروی نظامی بسیار توانای خود، بریک کشور بی‌دفاع و مردمی دور از هرماجرا، هجوم آورده است. چنین مردمی باید از میهن خود و از شرافت ملی خود، با همه نیرو به دفاع برخیزند. که برخاستند، و در دلیری افسانه‌ها آفریدند.

اکنون ارتش پرتوان روس، در برابر مردم افغانستان قرار گرفته است. که بسان همه انسان‌های آزاده و غیرتمدن به دفاع از سرزمین و حیات سیاسی خود برخاسته‌اند.

اگر روسها، امنیت مرزهای جنوبی خود را می‌خواهند و اگر روسها، نمی‌توانند شاهد آن باشند که در کنار مرزهای آنان ماجراهایی ناسازگار پدید آید به مردم افغانستان هم حق باید داد که رهائی میهن خود را از سلطه بچویند و باز باید به مردم افغانستان حق داد که دخالت ارتش بیگانه را در سرزمین خویش نپذیرند و در برابر آن به ایستند.

رژه تانکهای روسی در خیابانهای کابل و آتش باریدن بردختران دانش‌آموز، و به گلوله بستن فروشندگان بی‌گناه قندهار و هرات و مرگ باریدن بر کلیه‌های محنت رسیده روستائیان افغان از حقوق انکسائی، روسها نیست.

نه روسها و نه هیچ قدرت دیگری حق ندارد، برای «تأمین امنیت خود»، بر مردمی بی‌گناه و بی‌خبر هجوم ببرد. مردم افغان، و مردم هر کشور دیگر، اگر در برابر هجوم هر نیروی بیگانه، به نبرد برخیزند، به شرافت ملی و ارج تاریخی خود خیانت کرده‌اند.

راستی آن است که هجوم نظامی روسها به افغانستان، یک اشتباه بزرگ بوده که بی‌آمدهای آن را به آسانی تحمل نخواهند کرد و راستی آن است که کاخ نشینان کرملین کشتی به گرداب رانده‌اند. اینک روسها مانده‌اند و جنگیان افغان، بی‌گمان افغانها خواهند جنگید و میهن خود را از چنگ نیروی تجاوزگر خواهند رهانید و این جنگ آنها هم، جنگی است عادلانه، شرافتمندانه و تاریخ سکه افتخار را به نام ایشان خواهد زد.

ارگان حزب ملت ایران

رهنمود بهنگام امام خمینی انحصار گریها خشم مردم را برانگیخته است

تقسیم کار اجتماعی و تحول تاریخی آن، وظیفه‌هایی را بر عهده هر فرد جامعه نهاده است که نوعی گروه‌بندی بوجود آمده، و انسانها در چهار چوب آن تعلق و شخصیت «جامعای» بدست می‌آورند.

روحانیون و سپاهیان و بازاریان و اداریان و جز اینها از گونه‌گون گروه‌های اجتماعی می‌باشند که هر کدام در عین پیوند با مرزبندی‌های وظیفه‌های بایکدیگر در آمیزش هستند.

روحانیت ایران با ویژگیهای تاریخی تشیع، نه تنها ساخته جامعه دگرگون شونده می‌باشد بلکه به علت وجود وظیفه‌های دینی و پرورشی و آموزشی برای آن، در ساختن آینده جامعه نیز سهم فراوانی بر عهده دارد و از اینرو تنزه و تعالی معنوی و تحرک اجتماعی این گروه برای همه کسانی که به اسلام اعتقاد دارند یا به ایران و تداوم تاریخی آن، دل بستند، یا این هردو گرایش (اسلام و ایران) را یگانه می‌دانند، بسیار با اهمیت می‌باشد و بر آنهاست که تلاش بعمل آورند تا این «نهاد» از هر نوع آسیب‌پذیری بدور قرار گیرد.

«روحانیان» که بی‌هیچ شباهت با رده‌بندی «کلیسائی» از طلبه‌های معمولی حوزه‌های علمی تاملند و فقیه و مجتهد و مرجع در سلسله مراتبی جای گرفته‌اند که با نیرومندی سازمانی، کانون خود را در پیوند پویا با همه شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه قرار می‌دهند.

به علت‌های تاریخی و رابطه‌های مردمی و مبارزاتی از یکسو و سیاستهای ضد دینی نظام سلطنت استبدادی وابسته به بیگانه از سوی دیگر، جامعه برای حرکت سیاسی و هویت طلبی خویش، بطور طبیعی و خودجوش، نهاد روحانیت را بگونه بنیادی‌ترین سنگر مبارزه ضدستم پذیرفت و بحق بسیاری از روحانیان کشور در زمره پیشگامان استقلال طلبی و آزادیخواهی ایرانیان قرار گرفتند که پیشاپیش همه، زهر انقلاب امام خمینی گام بر میداشت و با اینکه خود از برخاستگان روحانیت است، اما بگونه یگانه رهبر ملت تجلی کرد و انقلاب را در زمینه‌های ساخته شده سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، با کارائی تمام به پیروزی رساند.

پس از انقلاب که دوران سازندگی فرارسید، موضعگیری روحانیت در پیوند با کل جامعه شکل جدیدی پیدا کرد و به سبب عدم شناخت کافی نسل کنونی و بی‌سابقه بودن آن، ناآرامی‌هایی در کشور بوجود آورد که دنباله آن با مجرای هفته‌های گذشته رسید.

ولی خوشبختانه هشیاری و کاردانی رهبر انقلاب بسیاری از اغتشاشهای احتمالی و دشواریهای ناشی از آن را پایان داد.

علت‌های اجتماعی و سیاسی این گرفتاریها اگر شناخته شوند، درمان کردن آنها بسیار سهل خواهد بود. در این نوشتار کوشش بعمل آمده تا تحلیلی بر پایه داده‌های درست، فراهم آید.

الف- مردم در دوران انقلاب و چندماه پس از پیروزی، احترام و حقانیت فراوانی برای روحانیت قائل بودند و بطوریکه بیان شد این امر نه بعنوان «پاج دادن» به علما و مجتهدان بود، بل مبارزه و پایداری این گروه فرهنگ ساخته جامعه مورد تأیید همگان قرار داشت حتی بسیار کسان از پیروان دینهای غیراسلامی جامعه یا مسلمان زادگان دور افتاده از آموزشهای اسلامی، حرمت و صداقت روحانیت مبارز را تأیید و در تقویت آن تلاش میکردند.

ب- پس از انقلاب بخش عمده‌ای از روحانیت، در عین پاسداری از دست‌آوردهای انقلاب، بدنبال استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، در سنگر سنتی خود قرار گرفتند و میدان وظیفه‌های اجتماعی و تاریخی خود را خالی نکردند. در مسجدها و مدرسه‌ها و حوزه‌های دینی به تعلیم و تعلم و سازندگیهای مذهبی و آموزشی پرداختند و با هشیاری تمام تداوم فرهنگی جامعه و بقای

سنت‌های دیرین روحانیت را پاسداری کردند. ج- گروه دیگری از روحانیان، از کلیت جامعه خارج شده و در بخشی از آن (حزب) بخود تشکل دادند.

این پدیده برای مردم مسلمان ایران کمابیش ناشناخته بود چه در گذشته روحانیت به تمامیت اجتماعی تعلق داشت.

این گروه از روحانیان با تأسیس کانون جدید خود را ممتاز از دیگران (روحانی و غیرروحانی) دانستند و پیروان و رهروان اگر در آن کانون جای گرفتند، از «روحانیت» آن گروه برخوردار میشدند و اگر عضویت آن کانون را نمی‌پذیرفتند، بسنظر میرسید که باید از برخورداری روحانی (سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی) برای همیشه بی‌بهره باشند.

د- زمانی که گروهی از «روحانیان ممتاز»، خطمشی جدید حزبی انتخاب کردند بمصداق کل حزب **بما لدیهم فرحون**، خود را قیم روحانیت و جامعه و انقلاب و «جمهوری اسلامی» در ایران و جهان دانستند.

در برابر آنها، گروه‌های اجتماعی دیگر از جمله بعضی روحانیان به واکنش برخاستند و در نتیجه چندگانگی و چندگونگی در روحانیت سابق که یگانه بود بوجود آمد و البته در این پدیده ناگوار بد اخلاقی‌ها و برخی بیماریهای کیش شخصیت را نیز باید اضافه کرد که همیشه در تقابل نیروها «آنچنان را آنچنان تر میکنند».

ه- در نتیجه، حرکت‌های بعدی را به جای آرمان، اخلاق و حقانیت، قدرت و زورمداری راهبری کرد و در ارتباط جوئی‌ها و لشکر کشی‌ها و پخش «وجوهات و سپردن» مقامها کار به انحصارگری غالب کشیده شد، آن سان که «کادر رهبری» جهت در قدرت باقی ماندن، هر عصری را، لایق و نالایق، خوش سابقه و بد سابقه، مسلمان و جدیدالاسلام، بخود جلب کرد و افراد ناتوان و بیسواد و فرصت طلب نیز، که در سابقه‌های «نظام آریامهری» راه ترقی و توانمندی را در پیوستن به «کانون قدرت» دانسته بودند، زمان را از دست ندادند و در «حزب فراگیر» گرد آمدند و در پایان کار کانونی پدید آمد که هم با جمهوریت (=تعلق به همه ابعاد مردمی در جامعه) و هم با اسلام (=نظام آرمانی همه جانبه) فاصله داشت و نیروهای مؤمن و آگاه و سالم جامعه نیز با کمال تأسف اندک‌اندک میدان را خالی کردند، هر چند برای حفظ حیثیت خود، اما غیرمستقیم وسایل سلطه‌گری و ساخت زنی انحصارگران را فراهم آوردند.

و- روحانیان این کانون که از آن تاریخ توسط برخی نیروها، روحانی نمایان انحصارگر نام گرفتند، با برخورداری اقتصادی هم عنصرهای سرکوبی دیگر گروه‌ها را (=چماق‌داران) فراهم آوردند و هم با برخورداری سازمانی که دیگران از آن بدور افتاده بودند، بسیاری از نهادهای کشوری و انقلابی جامعه را تصاحب کردند و سرانجام مردم زمانی چشم باز کردند که مهرهای اصلی قوه‌های قضائی و مقننه و مجریه کشور از افراد برجسته «این کانون» برگزیده شده بودند.

ز- حزب حاکم بر بنیاد اینگونه اندیشه‌ها و کاربرد اینگونه شیوه‌ها، برای از دست ندادن توده‌ها خود را متعلق به روحانیت معرفی میکرد که در واقع بعلت همان انحصارگریها، گوئی روحانیت را متعلق بخود میدانند! یعنی اگر کسی حتی رئیس جمهور به حکم قانون اساسی از یک وزیر یا وکیل یا کار بدست روحانی نقد سیاسی بعمل آورد حتی دوستانه بگوید «فلان کار اگر نمیشد» یا «اگر بدین صورت میشد بهتر بود»، کاری که در نظام جمهوری اسلامی وظیفه هر فرد متعهد است و همگان به یاد دارند که انقلاب یکی از پایه‌های آزادی خواهی بود، بناگاه فریاد انحصارگران بلند میشود که «به روحانیت حمله شد!».

اگر گفته شود ولو توسط رئیس جمهور که «پس

از مقام رهبری عالیترین مقام رسمی کشور رئیس قوه مجریه و نظم کننده روابط قوای سه گانه است، چند روحانی وابسته به حزب حاکم چرا با انتخاب عده‌ای ناآگاه و بی‌تخصص، صنعت و کشاورزی و آموزش را از میان برده و کشور را به عقب کشانده‌اند؟ مگر نمی‌دانند که این ویرانگریها جامعه را بیش از گذشته وابسته به امپریالیستها میسازد و استقلال را که نخستین پایه انقلاب بود از میان برمیدارد؟ بی‌درنگ فریاد والا مقامان «کاست ممتاز حکومت» بلند خواهد شد که هیات وزیران و کاردستان کشور همه «مکتبی» هستند، همه با ایمان می‌باشند، دیگر علم و تخصص چه ضرورتی دارد و هر کس از این سخنان بر زبان آورد، باید بر سرش کوفت، زیرا قصدش حمله به روحانیت است.

ح- اما مردم، این سازندگان تاریخ، اگر با حساب‌های علمی و آماری ویران شدن کشور را ندانند با پوست و استخوان حس میکنند که کار نیست، نان نیست، خانه نیست، مدرسه نیست، بیمارستان نیست، و کار بدستان انحصارگر حتی میخواهند شرف و حرمت و حیثیتی که اسلام به همه انسانها داده است، از آنان بزور بگیرند و از آنان بردگان تسلیم شده بسازند.

ملتی که به رهبری داهیانه عصاره نبردهای تاریخش امام خمینی انقلاب کرده است، اکنون اطراف خود را می‌نگرد هجوم عراق بر ایران را در همه بعدهایش، نابسامانی‌ها و بسنداز بسند گسیختگی‌ها را حس می‌نماید. توطئه‌ها را یکی پس از دیگری در می‌یابد با همان نگاه نویدها، به همان چند انحصارگر را حاکم بر کشور می‌یابد و گرد آنها عده‌ای نادان و بی‌تجربه و حتی غرض ورز و بیمار گونه را از نظرش می‌گذراند و اما در رسانه‌های گروهی می‌شنود یا میخواند که روحانیت بر کشور حکومت می‌راند.

جناح چپ موازنه مثبت نیز کشور را آن سان در دست روحانیان معرفی می‌نماید و به اصطلاح آن سان کاسه گرم‌تر از آتش شده است که زمینه سازی بسیاری از تباهی‌ها از رفتارهای آشکار گردیده است.

بناچار مردم، مردم مهربان، جان بربل رسیده، مردم شهید داده، مردم خونین دل با حفظ احترام به اسلام و روحانیت گرانقدر خود، از این گروه ولو درزی روحانیت خودنمایی کنند ابراز نارضائی و دزدگی شدید می‌نمایند و بهمان سان که روش همیشه توده مردم است، با زبان بی‌زبانی که از صد زبان هم گویاتر است، کنایه می‌زند که شما را قبول ندارم!

داده‌های سیاسی، در سلسله بندی رویدادها، علت‌های اساسی ناآرامی‌ها و ناسازداری‌ها را با اینکه می‌خواهند بر آن سرپوش گذارند، روشن می‌سازد.

اما انحصارگران که با تمام قدرت‌های خود هرروز با شکستی روبرو میشوند و دریافته‌اند که دیگر بنام حزب و حتی بخشی از روحانیت در رابطه با حزب و حکومت حقانیت بدست نمی‌آورند، به کلیت روحانیت تشبث می‌جوید، این بار این «کلیت» بود که به آنها حقانیت نداد و حتی برخی از روحانیون مبارز و برجسته جامعه در خط برخورداری آشکار با روحانی نمایان انحصارگر قرار گرفتند.

اما آنان که بر کرسی قدرت نشسته‌اند، طغیان کردند و بمصداق **ان الانسان لیطغی** آن راه استغناء، بکار بس خطرناک دست زدند و توطئه‌های بس دلخراش بوجود آوردند و به اصطلاح مردم «از امام مایه رفتند»!

کاری که بی‌نیاهیت خشم ملت را برانگیخت چه این نیروی سستی‌ناپذیر در همه حال اعتقاد و وفاداری خود را بر امام خمینی استوار نگاهداشته است و به همان سان که در گذشته رهبر انقلاب بزرگ خود را گرامی میدانست هم اکنون نیز وجودش را در حفظ دستاوردهای انقلاب و انسجام جامعه و همبستگی همگانی لازم میدانند.

به زبان دیگر ملت ایران برایمان خود ایستاده است. این انحصارگران از خدا بی‌خبرند که با

شیوه‌های ناستوده و ناخردانه، از این باور خدائی و مردمی سوءاستفاده می‌کنند و با تبلیغات فراوان که بودجه‌اش از مردم است به مردم چنین وانمود می‌نمایند که برخورد‌هایی با انحصارگران و نابسامانیها و اغتشاش‌ها و خیانت‌ها و جنایتهای ناشی از آن، خدای ناکرده ستیزه با شخص امام خمینی است که چنین روزی مباد.

دشمنان مردم و انقلاب باید بدانند پیوند مردم با رهبر انقلاب ناگسستنی است و هیچ قدرتی چه داخلی و چه خارجی نخواهد توانست در وحدت مردم و مرجع بزرگ خود خلل ایجاد کند.

انحصارگران ماجراهای شک‌آمیز و ساختگی قم و مشهد و اصفهان را برپا داشتند و برنامهریزی توطئه خویش را وسیله رادیو و تلویزیون انحصاری پخش کردند و بی‌آنکه مردم را در جریانهای دقیق قرار دهند، خود معرکه برپا کردند و خود نتیجه‌گیری بعمل آوردند.

در مجلس شورا نیز با دسیسه اعلام جرم‌های فتنه برپا کن، بر زخم‌های «نیسش-چاقوشان» نمک پاشیدند و با سود جوئی از احساسات مذهبی اهالی شهرستانها و برخی از روحانیان پاکدامن و عالیقدر، راهپیمائی «هدفدار»! روز پنجشنبه گذشته را که با همه راهپیمائی سابق تفاوت داشت، پیشنهاد کردند که پس از آگاهی‌های فراهم شده، اکنون دانسته میشود چه توطئه شوم و به احتمال قوی خونینی را فراهم آورده بودند.

گوئی نوعی کودتا، بنام هواداری از رهبری انقلاب علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران، از سوی انحصارگران ترتیب داده شده بود که یکبار دیگر هشیاری و دوراندیشی امام خمینی این مظهر وحدت ملت، درهم شکسته شد. درحالیکه «قدرت‌طلبان» انحصارگر همه برنامه‌های خود را پایان یافته میدانستند و برخی از رهبران دلسوز و آگاه جامعه در اندوه «چه میشود!» غوطه میخوردند و ملت سرگردان از چنددستی‌ها و زدوخوردهای داخلی و آندوهگین از توطئه‌ها و کارشکنی‌ها نمی‌دانستند چه باید بکنند، ناگهان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران با عزمی قاطع و نظری بلند، رهنمودی شایسته داد و راهپیمائی توطئه‌آمیز روز پنجشنبه گذشته را از سوی دفتر خود لغو کرد و بدین طریق همه برنامه‌های از پیش ساخته‌ای را که بی‌شک «ضدانقلاب» نیز در بوجود آوردن آن دست داشت، نقش بر آب ساخت.

*** حزب ملت ایران که در همه راهپیمائی‌ها و تظاهرات سیاسی به سود انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران شرکت کوشا داشت بی‌هیچ تردید در راه انتخاب کرده خود، استواری نشان داد هرچند بسان بسیاری از نیروها در برابر عمل غافلگیرانه معرکه ساختگی انحصارگران بدور ماند بلکه تا آنجا که در توان داشت در روشنگریها تلاش کرد و بی‌نیاهیت سرافراز است که همزمانش در راهی گام برداشتند که امام خمینی **قافله سالار** آن می‌باشد.**

حزب ملت ایران، هم‌اکنون نیز اعتقاد دارد که انحصارگران اگر این بار شکست هم خوردند، چون شکست‌های گذشته باز دست از دسیسه برنخواهند داشت.

بر مردم ایران فرض است که با هشیاری فراوان از راه انتخاب شده خود وسیله رهبر انقلاب کوچکترین انحرافی پیدا نکنند و فریب انحصارگران دسیسه کار و چپ نمایان وابسته و ویرانگر را نخورند و بهمان سان که نبردهای خود را علیه نیرومندترین نظامهای وابسته به امپریالیسم با امام و راهنمایی امام آغاز کردند و همگام با امام بزرگترین انقلابهای تاریخ را بوجود آوردند، باز هم برای حفظ دست آوردهای انقلاب و سازندگی میهن و برون آوردن کشور از بن‌بست‌های کنونی و کارشکنی‌های کجروان که اینک دشمنی آنها با اسلام و ایران آشکار شده است، به رهبری امام، و پایدار و برنده و آگاه و دلیر پیش بروند و بدانند که پیروزی نهائی ملت ایران بر همه جهانخواران بیگانه و عیاملان بیگانه پرست فقط در این راه است.

کشایش مرکزهای آموزش عالی ضرورت دوران سازندگی انقلاب است.

آرمان ملت بیرون

ضربه به دشمن ددمنش در کنام خود

کردستان عراق همکاری و در آن سوی مرز دشمن را در کنام خود سرکوب سازیم. به این منظور براساس برنامه قبلی من و گروه فاح در تاریخ چهارم آبانماه ۱۳۵۹ همراه پیشمرگان کرد از سیلوانا به سوی دهکده مرزی نوه حرکت کردیم، ساعت پنج بعدازظهر به دهکده وارد، و ساعت یک بامداد روز بعد به سوی عراق روانه شدیم.

پس از سی و هفت ساعت کوهپیمایی بسیار سنگین غروب روز هفتم آبانماه ۱۳۵۹ به پایگاه پیشمرگان کرد در عراق رسیدیم که منطقه‌ای جنگلی و کوهستانی است در کنار رودخانه.

در پایگاه در یک سیاه چادر بزرگ که در اختیار گروه فاح گذارده شد جا گرفتیم، برای جلوگیری از حمله هلیکوپترها و هواپیماهای دشمن یک مثلث آتش در قله مشرف به پایگاه با دو دوشکا از رزمندگان کرد و یک تفنگ کالیبر ۵۰ از گروه فاح تشکیل یافت.

از طرف آقای ادریس ساررانی

گزارشی دیگر از حمله به مرگه سور

همچنانکه در شماره‌های قبلی نامه آرمان ملت نوشته شده است بدنبال تهاجم دولت نژاد گرای بعث عراق به ایران، کوششهای مردمی برای درهم شکستن این تهاجم وحشیانه آغاز شد و از جمله حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی به دامنه گسیل پیشمرگان خود به فراسوی مرز استعمار ساخته کنونی افزود و «گروهی از وابستگان حزب ملت ایران و یک گروه از نیروی ویژه و گروه فاح از سازمان سیاه جامگان نیز با این رزم‌آوران همراه شدند.»

در زیر بخشی از گزارش رزم چریکی در درون خاک عراق را که آقای قدرت‌اله لطفی سرپرست گروه فاح از سازمان سیاه جامگان داده است برای آگاهی همگانی درج مینماید.

قرار نهاده شده بود که برای وارد آوردن ضربه‌ای کاری به دولت بعث با حزب دمکرات

خبری نرسید و نیز هواپیماهای خودی که قرار بود به پادگان مرگور حمله کنند پیدا نشدند و بنحوی که بعدها اطلاع یافتیم به علت ریزش باران و بالا آمدن آب رودخانه آقای ادریس بارزانی اجرای برنامه حمله را ناگزیر یک روز به عقب می‌اندازد ولی امکان خبر دادن به ما به وسیله بی‌سیم

تصمیم برای این بود که گروه ما در اطراف راست مرگور در بالای کوه برادوست استقرار یابد و گروه آقای ادریس ساررانی در سمت چپ مرگور در دامنه کوه پیران وساعت سه الی چهار بعدازظهر روز پنجشنبه ۱۳۵۹/۸/۲۹ با هم به وسیله بی‌سیم تماس حاصل کنیم و حمله نهایی به پادگان را آغاز نماییم.

را نمی‌یابد و از اینرو در ساعت چهارونیم بعدازظهر در حالی که در فاصله پانصد تا ششصد متری بر فراز سردشمن بودیم دیدیم انتظار را سودمند تشخیص ندادیم و حمله را آغاز کردیم.

حمله از سمت راست به فرماندهی خود من و از سمت چپ به فرماندهی احمد سعید و میرخان از سرکردگان کرد شروع شد.

حمله چنان برق‌آسا و غافلگیر کننده بود که کوچکترین فرصتی به دشمن برای واکنش نداد و فقط گروهی از خدمه یکی از توپ‌های آنها توانستند خودشان را به توپ برسانند و به دفاع بپردازند یکی از رزمندگان گروه فاح به نام علی گودرزی که با توپ ۵۷ میلیمتری شلیک میکرد از ناحیه ران به سختی مجروح شد ولی بیدرنگ یکی دیگر از افراد گروه بنام بهروز عسگری وظیفه وی را بر عهده گرفت و به یاری یکی دیگر از خدمه همان توپ بنام اکبر عامل شروع به آتش سریع کرد و دشمن را هدف قرار داد.

گروه ما به طور کلی هشتاد گلوله توپ شلیک کرد که شصت

و شش عدد آن به هدف خورد و خسارت‌های بسیار وارد آورد. خسارت‌هایی که به دشمن وارد آمد تا آنجائی که ما توانستیم ملاحظه کنیم از این قرار است. ساختمان امن، ساختمان فرماندهی، آسایشگاه‌های سپاهی، ساختمان حمام، پارکینگ موتوری، آشپزخانه

پادگان، دوسنگر بتونی و دو توپ ۱۲۳ میلی‌متری آنها یا صدمه‌های اساسی دیدند یا به کلی منهدم شدند. نبرد تا ساعت شش بعدازظهر طول کشید و در این ساعت که هوا تاریک میشد هم‌رزم زخمی خود را به دوش گرفتیم و به سوی جنگل راه افتادیم و تا ساعت هفت صبح روز جمعه ۱۳۵۹/۸/۳۰ بی‌توقف کوه‌پیمایی کردیم و در این ساعت به غاری رسیدیم که در سابق بیمارستان پیشمرگان بارزانی بوده است.

در این غار مستقر شدیم ولی چون وضع هم‌رزم زخمی خیلی بد بود و هیچ وسیله کمکهایی اولیه هم نداشتیم پس از رایزنی با احمد سعید و میرخان تصمیم گرفتیم راه خود را تغییر دهیم و دو پاسگاه کنار جاده اسفالت را بزنیم و فرصت بگیریم که چهار تن از افراد گروه و چهار نفر از پیشمرگان کرد و یک راه بلد، زخمی را زودتر به پایگاه برسانند.

بر همین اساس هم‌رزم زخمی را از کنار رودخانه در داخل جنگل حرکت دادند و ما هم

ساعت چهار بعدازظهر روز ۱۳۵۹/۹/۱ حرکت کردیم. به دو پاسگاه که در فاصله پانصد متری هم قرار داشتند و از پیش شناسائی شده بودند، حمله بردیم و پاسگاهها را از دو سوی زیر آتش توپ ۵۷ میلیمتری و نارنجک انداز خودمان قرار دادیم و در ساعت شش و نیم بعد



چند رزمنده گروه فاح از سازمان سیاه جامگان در کنار سیاه چادر خود که در قرارگاه پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق

از ظهر پس از آنکه کوچکترین صدایی از پاسگاه نیامد به سوی پایگاه اصلی خودمان حرکت را ادامه دادیم و ساعت شش روز ۱۳۵۹/۹/۲ به آنجا رسیدیم و هم‌رزم زخمی خود را هم دیدیم که پیش از ما به پایگاه آورده و پانسمان کرده بودند.

گروه‌های اطلاعاتی که آقای ادریس بارزانی برای کسب خبر از پیامدهای حمله اعزام داشته بودند و پس از رسیدگی و به دست آوردن خبرهای دقیق به پایگاه بازگشتند و اطلاع دادند با حمله، و حمله‌ای که فردای آن روز پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق و دیگر رزمندگان ایرانی کرده بودند تلفات دشمن از ششصد نفر تجاوز کرده است. با دریافت این خبر و مطمئن شدن از نتیجه کار به دلیل ضرورت درمان زخمی و احتمال بسته شدن راهها به علت ریزش برف از آقای شیخ محمد خالد بارزانی و ادریس بارزانی برای برگشتن به ایران اجازه گرفتیم و روز دوشنبه ۱۳۵۹/۹/۳ در ساعت دو نیم بعد از ظهر به سوی مرز به حرکت درآمدیم.



رزمندگان ایرانی در خاک عراق در کنار شیخ محمد خالد بارزانی و ادریس بارزانی



رزمندگان گروه فاح از سازمان سیاه جامگان در بازگشت از حمله به مرگه سور پرچم ایران را در ویرانه پاسگاه نظامی گورتون برافراشته‌اند.

در حاشیه جنگ ایران و عراق

- کنگره سالانه معلمین سوریه صدام را بخاطر جنگی که به بهانه دفاع از حقوق اعراب علیه انقلاب اسلامی ایران به راه انداخته است محکوم کرد.
- فلاحی جانشین رئیس ستاد مشترک اعلام کرد ایران هرگز به مناطق مسکونی عراق حمله نکرده است.
- نمایندگان مسیحیان ایران در مجلس اعلام کردند مسیحیان ایران هزینه جشن کریسمس را به جنگ‌زدگان اختصاص دادند.

به گزارش خبرگزاری پارس یکی از خواهران عضو مجاهدین عراق لوله نفت سلیمانیه را متفجر کرد و خود نیز در این انفجار به شهادت رسید.

- هفته‌نامه ابزرور به نقل از خبرنگار خود در ایران می‌نویسد قدرت ارتش مجهز عراق که شهر آبادان را در محاصره دارد کمتر از آنست که بتواند از عهده شور انقلابی مدافعان این شهر برآید.

- سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق که در هفته گذشته از تایلند دیدن کرده بود اعلام داشت عراق هرگونه ابتکار سازمان ملل متحد را که بتواند به بحران میان عراق و ایران پایان دهد باکمال میل میپذیرد.

- بنا به نوشته روزنامه گاردین روند جنگ نه سود ایران است. این روزنامه نوشته است در آبادان مواد غذائی مساند سبزیجات و میوه و نان تازه و گوشت و برنج به وفور یافت میشود و خیابانهای شهر هر روز پاک میگردد.

- روزنامه بعث سوریه گزارش داد برژنفسکی مشاور امینیتی کاخ سفید روسای خود را نصیحت کرد که از صدام تکریتی حمایت نموده و روابط حسنه خود را با وی حفظ نمایند.

از خبرهای هفته

قیمت کنونی بنزین همیشگی است

معاون کل وزارت امور اقتصادی و دارائی اعلام کرد قیمت بنزین دائمی است و پس از جنگ نیز کاهش نخواهد یافت. آقای نوربخش معاون کل وزارت امور اقتصادی و دارائی گفت بنزین به همین قیمت فعلی برای دولت تمام میشود و این قیمتها نیز دائمی است و دولت نمیتواند برای کسانیکه بمنظور بالا بردن شخصیت خود سوار اتومبیل شخصی میشوند هزینه بی موردی متحمل شود و حق دیگران را به آنها بدهد. بنابراین کسانی که مایل به استفاده از اتومبیل شخصی هستند باید بنزین را به همان قیمتی که برای دولت تمام میشود تهیه کنند.

چاپخانه اسکناس ایران در مهرماه آینده به راه می افتد

روزنامه انقلاب اسلامی به نقل از دکتر رشیدزاده معاون بانک مرکزی ایران می نویسد به علت احتیاج مبرم و روزافزون کشور به چاپخانه اسکناس و لزوم به کار افتادن هر چه زودتر آن جهت صرفه جویی بیشتر در میزان خروج ارز از کشور و کاهش وابستگی صنعتی کشور به غرب بانک مرکزی ایران اولویت خاصی برای تأسیس این چاپخانه قائل است.

علاوه بر این لزوم تعویض اسکناسهای فرسوده و اسکناسهای رژیم گذشته، که اکنون بیش از پانصدوپنجاه میلیون آن در دست مردم می باشد، نیاز به وجود این چاپخانه را تشدید کرده است و نیز هر لحظه احتمال دارد که چاپخانه های خارج به علت های گوناگون از انتشار اسکناس ایران سرباز زنند.

معاون بانک مرکزی ایران اظهار داشته است که کار راه اندازی سیستم مجموعه چاپ اسکناس در مهرماه ۱۳۶۰ پایان خواهد یافت.

مخالفت شورای نگهبان با چند بند از طرح اداره رادیو تلویزیون

شورای نگهبان قانون اساسی پس از بررسی طرح قانونی اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای ماده ده و چند بند از مواد این طرح را مغایر با قانون اساسی دانست. در نامه ای که در این زمینه به رئیس مجلس نوشته شده، آمده است «..... تجزیه رای قوه مجریه به سه رای رئیس جمهور، نخست وزیر و اکثریت وزرا برای تعیین نماینده قوه مجریه در اداره سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و دخالت دادن رای رئیس جمهور و آنرا در کنار رای نخست وزیر و اکثریت وزرا قرار دادن با قانون اساسی مطابقت ندارد و بنابراین بند «ب» ماده دو قانون صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مغایر قانون اساسی است. «شورای نگهبان همچنین بند «ج» ناظر به بند «ب» و بند «ه» ناظر به بند «الف» ماده پنج را با اصل هفتاد و چهار قانون اساسی و ماده ده این قانون را با اصل هفتاد و پنج قانون اساسی مغایر دانسته است.

تدبیر ژاپن برای ذخیره نفت

خبرگزاری رویترز ژاپن خبر میدهد که این کشور برای ذخیره نفت مورد نیاز خود تدبیر جدیدی اندیشیده است. رویترز در تشریح این خبر میگوید ژاپن در نظر دارد مجموعه ای از مخزن های عظیم فولادی را که طول هر یک بیش از یک ناو هواپیما و به بلندی آن بیش از یک ساختمان ده طبقه است با میلیونها شکه نفت در آبهای ژاپن شناور سازد. این مخزن های عظیم، که توسط رادار و دوربینهای امنیتی محافظت میشود، نقش ذخیره استراتژیک را برای ژاپن خواهد داشت.

تحويل هواپیماهای اف ۱۸ به عربستان سعودی

بنابه گزارش خبرگزاری اسوشیتد پرس دولت کارتر پیشنهاد کرده است که تحويل هواپیماهای جنگنده «اف ۱۸» به پادشاهی سعودی را ماه آینده، یعنی یکسال قبل از موعد، آغاز کند. لیکن اتخاذ تصمیم درباره سکوها پرتاب بمب انبارهای اضافی سوخت را که سعودی ها برای هواپیماهای مقام های امریکائی گفتند پیشنهاد تسریع در تحويل هواپیماهای ساخت امریکا به پادشاهی سعودی ماه گذشته توسط دیوید جونز رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا در جریان سفرش به این کشور اعلام شد. این گزارش حاکی است که پادشاهی سعودی همچنان برای بدست آوردن سکوها پرتاب بمب و انبارهای سوخت اصرار می ورزد.

از ادیب برومند شاعر ملی شهادت غرور آفرین

آفرین بسا ادا بدانشگاه و دانشگاهیان آن گروهی کز پی حق نیک دادند امتحان اوستادان گم گم رانمقدار آزادی پسرست دانشی مردان دانشجو سوی آزادی ستان راد مردان دلیر حق پسرست و حق ستای نو جوانان رشید جانفروز و جان فشان گام بنهادند یکسر در مسیر انقلاب پائی بفرشردند نیکو در مقام ترک جان بر چنین آزادگان از ما درود بی شمار بر چنان فرزندان، از ما سلام بیکران چون کنام شیر مردان است، دانشگاه ما و ندر آن استاد و دانشجو سوی، شیران زینان جمله یکدل در پی آزادی ایران زمین سرنهاده در کف و مردانه گذشته ز جان سینه ها کردند در میدان آزادی سپر خامه ها کردند، در پیکار دژ خیمان ستان ای بیسا آزاد دانشجو سوی و دانا اوستاد جان سپردند از پی پاس عقیدت رایگان یکتان از این دانشی مردان «نجات الهی» است رفته ناکام از جهان، هر چند نامش «کامران» در تحسن گاه دانشگاهیان همراه جمع طرد استبداد را با خلق بودی هم زبان هم نوا می ملت اندر راه بسط انقلاب با گروهی اوستادان «بست» را همداستان تاهواداری کنند از نهضت پر شور خلق سوی بام آمد، سپاس انقلابش بردهان ناگهان یکتان سپاهی از نظام کینه جوی سوی وی آتش گشود و کشت استاد جوان جابجا در خاک و خون غلطید و پیکر لاله گون همچو گل بنمود پیراهن بر رنگ ارغوان آه از این ننگین جنایت وای از این کشتار شوم کز عناد جهل با دانش بود ننگین نشان زین شهادت اوج دیگر یافت موج انقلاب موج دریائی ز خون از باختر تا خاوران پرشکون یاد این قیام پاک اسلامی «ادیب» و آنگرامی رهبرش از قصد دشمن در امان

در حاشیه جنگ ایران و عراق

- براساس اطلاعیه شماره ۳۳۷ ستاد مشترک ارتش، فرار نظامیان عراق از خدمت روبه افزایش است. - عراق خواستار میانجی گری بازار مشترک در جنگ خود با ایران شد. - بر پایه اطلاعیه «حرکت مردم مسلمان عراق» ماموران سازمان امنیت عراق چون میدانند که ارتش جمهوری اسلامی ایران هرگز مناطقی را که محل تجمع و رفت و آمد مردم باشد بمباران نمی کند با شنیدن آژیر خطر به سرعت با ماشینهای سواری و کامیون های باری و دیگر وسائل نقلیه بر روی پلها و در جایگاههای بنزین مستقر میشوند. - یک مجله لبنانی گزارش داد بامیانجی گری سلطان قابوس عراق از مصر سلاحهای روسی میخرد. - رئیس جمهور ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با خبرنگاران خارجی گفت تادشمن را از خاک خود نرانیم با هیچ شرطی موافقت نمی کنیم. - تیمسار فلاحی جانشین رئیس ستاد مشترک گفت به ندرت بیش از پنجاه درصد از هواپیماهای عراقی به پایگاه خود بازمی گردند. - موزامبیک و الجزایر با انتشار بیانیهای خواستار راه حل صلح آمیز در جنگ ایران و عراق شدند. - صادق المهدی دبیر کل حزب انصار سودان پس از یک دیدار هشت روزه از الجزایر در مورد جنگ عراق با ایران گفت طرفین باید نیروهای خود را به موضعی که پیش از آغاز جنگ داشتند منتقل نمایند. - به گزارش یک روزنامه لبنانی هنری کیسینجر وزیر امور خارجه سابق امریکا در یک سخنرانی به خوشحالی و رضایت سران اقبال از جنگی که میان عراق و ایران در جریان است اعتراف کرد. - خبرنگار رویترز گفته گذشته همراه با گروه دیگری از خبرنگاران خارجی برای اولین بار از آبادان دیدن کرده است مقاومت دلیرانه ارتش مردم ایران در آبادان راستود مونسخته است با وجود محاصره آبادان از سه طرف مدافعان شهر پس از سیزده هفته هنوز به پایداری سرسختانه ادامه میدهند. - یک دانشجوی عراقی رانده شده گفت عمر رژیم صدام زمانی به پایان میرسد که مردم عراق بشنوند نقاط اشغالی ایران از عراق پس گرفته شده است. بقیه در صفحه هفتم

نامه های رسیده

جمعی از کارکنان سازمان آب و برق خوزستان

طی نامه ای که رونوشت آنرا برای نامه آرمان ملت فرستاده اند و دارای امضای بسیاری است خطاب به «جناب آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر» می نویسند: «حمایت بی دریغ و قدر دانی بی پایان خود را از تلاشهای خستگی ناپذیر آن سرباز فداکار میهن در حفظ استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران و دفاع سرسختانه از حریم مقدس قانون اساسی اعلام داشته و با رهنمودهای امام سررگوارمان و پشتیبانی اکثریت قاطع ملت مبارز و رزمنده ایران موفقیت و پیروزی شما را در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استعماری و ضد استبدادی که در پیش گرفته اید، از خداوند بزرگ خواهانیم و دعای خیر ملت ایران بدرقه راهتان باد.»

اداره ارشاد و روابط عمومی وزارت نیرو

طی نامه ای به تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۳ عطف به مطلب مندرج در شماره ۳۳ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ نامه آرمان ملت با عنوان «فاجعه سفیدرود» نوشته است:

«بر اساس گزارش سازمان آب منطقه ای شمال، بعثت رسوبات فراوان دریاچه پشت سد که از طریق رودخانه های قزل اوزن و شاهرود وارد و بعثت عدم مانور دریچه ها در دوره طاغوت. نیمی از دریاچه با رسوب پر گردیده و این عمل موجب کاهش حجم مفید و مؤثر دریچه شده بود. سازمان آب منطقه ای شمال تصمیم گرفت با باز کردن دریچه تحتانی و تخلیه رسوبات سالهای گذشته ضرر و زیان دوران گذشته را جبران نماید و موجب گردد که عمر سد را که حیات منطقه کشاورزی و سرسبز گیلان بدان وابسته است افزایش دهد. سازمان مزبور به منظور لایروبی دریاچه و بررسی مسائل رسوبات در دریاچه پشت سد تدابیر لازم را اتخاذ نموده و به مردم عزیز گیلان قول میدهد که هیچگونه نگرانی نیست زیرا تا پایان اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ دریاچه پشت سد پر خواهد شد.

آرمان ملت: با درج توضیح وزارت نیرو، پیرامون چرایی را باز کردن دریچه تحتانی سفیدرود، امید می رود «تخلیه رسوبات سالهای گذشته» هر چه زودتر صورت گیرد و همچنانکه قول داده شده است «تا پایان اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ دریاچه پشت سد» پر آب گردد.

تجار تخانه عبدالنبی ایرانی و پسران از بوشهر

در نامه ای که به دفتر ریاست جمهوری داده و رونوشت آنرا برای نامه آرمان ملت فرستاده است می نویسد: «این بازرگانی با کادری مجهز، ورزیده و با تجربه برای پیشبرد هر چه بیشتر و تسهیل امور ترخیص کالاهای دولتی و تخلیه سریع اماکن گمرکی، آماده است کلیه کالاهای واجناس متعلق به دولت بطور اعم و یا متعلق به کارخانجات، شرکتهای و مؤسسات ملی شده و تحت اداره و نظارت دولت و نهادهای دیگر مملکتی را با توجه به وضع استثنایی فعلی بدون دریافت دیناری حق العمل از گمرک بندر بوشهر ترخیص نماید.

خواهشمند است دستور فرمائید پیشنهاد و آمادگی فوق از هر طریقیکه صلاح بدانند به اطلاع شرکتهای و کارخانجات و مؤسسات مورد شمول رسانیده شود. امیدواریم با ارائه بهترین و سریعترین خدمات خود بتوانیم در تخلیه اماکن گمرکی و ترخیص فوری کالاهای دولتی و وارده به بندر بوشهر اشتراک مساعی داشته باشیم. آرمان ملت: امید است از آمادگی این تجار تخانه با سابقه و خوشنام که مرکز اصلی آن در بوشهر می باشد و در خرمشهر، بحرین و بندرعباس نیز شعبه دارد، بهره برداری لازم بعمل آید.

نامه ای با امضای ناشناس:

فردی که خود را یکی از هواداران حزب ملت ایران معرفی کرده، طی نامه ای با امضای «کارمند دولت جمهوری اسلامی» پیرامون سخنرانیهای نخست وزیر در مشهد به اظهار نظر مخالفت آمیز پرداخته است که آرمان ملت چون این نامه بدون نام و نشانی فرستنده می باشد از درج آن پوزش می خواهد.

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب سانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳ خیابان سهند قریخیان سهند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

نیرو مند با دارتش جمهوری اسلامی ایران